

شب، جلسه دیگری با احمد آقا، مهندس موسوی نخست وزیر و آقای خامنه‌ای داشتیم. درباره وزیر خارجه و وزیر دفاع تصمیم گرفتیم. تلویزیون فیلمی از مراسم مکه و مخصوصاً تظاهرات ایرانیها و صف طولانی رأی دهندگان ایرانی در مکه، در انتخابات ریاست جمهوری را نشان داد. با رادیو تلویزیون مصاحبه نمودم. با احمد آقا به منزل آمدیم.

شنبه ۹ آبان

۳ محرم - ۳۱ اکتبر

تا عصر، در منزل ماندم و استراحت و مطالعه داشتم. احمد آقا هم آمد و در مورد مسائل چندی بحث کردیم. قرار شد فاتحه‌ای برای مرحوم لاهوتی بگیریم. چون خانواده ایشان به خاطر نارضایتی شدید از جریان، حاضر نشد، اعلان فاتحه کند. روابط عمومی مجلس شورا، برای ایشان و دو نفر دیگر از نمایندگان مجلس که اخیراً در تصادف اتومبیل فوت کرده‌اند، آقایان [فتحعلی] صاحب الزمانی و [علی اکبر] اصغری بنایی، یک جا فاتحه‌ای اعلام کرد.<sup>۱</sup>

اول شب، با کادر مرکزی انجمن حجیه قرار داشتیم. دیر آمدند، قرار عمل نشد. جلسه‌ای در دفتر ریاست جمهوری با حضور رئیس جمهور، نخست وزیر، بهزاد نبوی و احبیب‌الله عسکراولادی برای بحث درباره اختلافاتی که بین آقایان عسکراولادی و نبوی درباره انحصاری کردن خرید و فروش برنج و سایر موارد تجارت پیش آمده، داشتیم.

ستاد بسیج اقتصادی، تصمیم گرفته دولت خریدار انحصاری برنج از کشاورزان باشد، ولی تصمیم خامی است، نه امکانات انبار و حمل و نقل و نه نیروی انسانی برای خرید و توزیع دارد و نه فکری برای چندین هزار کاسبی که بیکار می‌شوند، کرده‌اند. آقای عسکراولادی وزیر بازرگانی مخالف است. آقای بهزاد به همین دلیل، نمی‌خواهد در کابینه شرکت کند، ناراحت است، فکرمی‌کند این بینش، مانع تحول در امر اصلاح تجارت و خلع ید سرمایه‌داران است.

۱ - مرحوم حجت‌الاسلام فتحعلی صاحب‌الزمانی نماینده مردم اسدآباد همدان در مجلس شورای اسلامی بود که در تاریخ ۳ آبان ۱۳۶۰ در حادثه رانندگی دارفانی را وداع گفت. مرحوم حجت‌الاسلام علی اکبر اصغری نماینده مردم بناب و ملکان (از توابع تبریز) در مجلس شورای اسلامی بود. وی در تاریخ ۲۶ مهر ۱۳۶۰ در حادثه رانندگی در جاده بین تاکستان و قزوین به رحمت ایزدی پیوست.

سپس جلسه‌ای با حضور رئیس بانک مرکزی و سازمان برنامه بودجه داشتیم. می‌خواهند اسکنااس چاپ کنند و پشتوانه اسکنااس [را] باید تأمین کنیم. طلاهای ما، به قیمت هر اونس ۴۲ دلار تقویم شده و قیمت واقعی ۴۳۰ دلار است؛ مجلس باید رسماً قیمت جدید را اعلان کند، ولی صلاح نیست، در جلسه علنی مطرح شود، چون دلیل ضعف اقتصادی به حساب خواهد آمد. تصمیم گرفتیم جور دیگری عمل شود.

یکشنبه ۱۰ آبان

۲ محرم - ۱ نوامبر

شب، در مجلس خوابیده بودم. پس از نماز و مطالعه گزارشها، به جلسه علنی رفتم. تا ظهر چند لایحه را تصویب کردیم. قرار بود، نخست وزیر کابینه را معرفی کند، نامه ایشان نرسید. معلوم شد آقای بهزادنبوی، به همان دلیل اختلاف با آقای عسکراولادی حاضر نیست در کابینه باشد. برای قانع کردن ایشان، تأخیر انداخته‌اند و بالاخره ایشان را به دلیل خطر بروز اختلاف، در میان نیروهای خط امام و به خصوص حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، قانع کرده‌اند.

بعد از ظهر، در محل ریاست جمهوری، جلسه شورای مرکزی حزب بود. درباره اعضای کابینه و کمبود پول حزب، بحث شد. حزب ماهانه حدود سه میلیون تومان خرج دارد و فقط حدود صد هزار تومان حق عضویت می‌گیرد؛ بقیه مخارج را باید از راه سهم امام و قرض تأمین کنیم. قرار شد، راههای اساسی برای تأمین مخارج فکر شود.

شب در دفتر من، جلسه شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز بود. آقای مهدوی کنی را که اخیراً از نخست وزیری کناره‌گیری کرده و وقت دارد، به عنوان دبیر کل جامعه انتخاب کردیم و اختیاراتی به شورای اجرایی دادیم. شام را آقای مهدوی کنی همان جا با من صرف کردند و آقای [محمد] امامی کاشانی همان جا خوابیدند.

گروهی از مسئولان حسینیہ ارشاد آمدند، برای شروع کار کمک می خواستند. برای اینکه، مدتی پایگاه لیبرالها بوده، اعتبار خود را از دست داده، می خواهند با کمک ماها، تجدید اعتبار کنند. خانم اعظم طالقانی آمد و از بازداشت آقای مخلصی، داماد آقای طالقانی و فراری شدن، مجتبی پسر آقای طالقانی که گویا عضو پیکار بوده و اخیراً کنارگرفته، شکایت داشت. با دعوت انجمن اسلامی دانش آموزان، عازم سودان است.

مهندس [هاشم] صباغیان آمد و برای نجات دوستانشان از حملات حزب اللهی ها، کمک می خواست و به فکر چاره ای بود، برای آمدن مهندس مهدی [بازرگان] و دکتر [یدالله] اسحایی به مجلس که چند روزی است نمی آیند. سپس مهندس [عزت الله] اسحایی آمد و همین حرفها را داشت، به اضافه کمک خواستن، برای آزاد شدن پسرش از زندان که به اتهام همکاری با مجاهدین خلق، بازداشت است.

بعد از ظهر، آقای منصوری از وزارت خارجه آمد و از مسافرت های بی رویه نمایندگان مجلس به خارج و توقعات زیادشان از سفارتخانه ها، حرف زد و از برنامه های وزارت خارجه. اول شب مصاحبه ای با تلویزیون فرانسه داشتیم<sup>۱</sup>. سپس، مصاحبه با تلویزیون خودمان در مورد سالگرد تبعید امام به ترکیه و اشغال لانه جاسوسی آمریکا در ایران که با هم تصادم کرده و روز دانش آموز. آخر شب، به خانه آمدم.

چهارشنبه ۱۳ آبان

۷ محرم - ۴ نوامبر

تمام وقت در خانه بودم. چهار روز عقب ماندگی خاطرات را نوشتم و استراحت نمودم. احمد آقا خمینی، ساعت ده صبح آمد و پرونده آقای لاهوتی را که از دادستانی برای اطلاع دادن به امام گرفته بود، آورد. و لیستی از اشیائی که در بازرسی منزل آقای لاهوتی، برده بودند. و گفت در مورد ایشان بهتر بود، باظرافت عمل شود، به خاطر خدمات ایشان در دوران مبارزه. سپس آقای صادق طباطبائی آمد. از خودش در مورد اتهاماتی که معاون وزارت دفاع، در مورد

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه های ۱۳۶۰.

خریده‌های ایشان زده بود، دفاع کرد. ایشان با موافقت شورای عالی دفاع، شرکتی در اروپا تأسیس کرده و برای ما اسلحه می‌خرد. متهم است که گران‌خریده و یا قسمت اعظم را هنوز نخریده؛ ولی اسنادی ارائه داد که خوب کار کرده است.

عصر خانم امام و دخترهایشان، مهمان عفت بودند، احوال امام را پرسیدم. گفتند: دو روز قبل فشارشان بالا رفته و قلبشان ناراحت شده، ولی با رسیدن و مراقبت، حالشان خوب شده. وضع امام حساس است، باید شدیداً مراقبت شوند. از اهواز آقای [محسن] رضایی فرمانده سپاه تلفن کرد. آماده برای حمله می‌شوند.

## پنجشنبه ۱۴ آبان

۸ محرم - ۵ نوامبر

قبل از رفتن به مجلس، برای تسلیت به منزل مرحوم لاهوتی رفتم. خانم، حمید و فائزه بودند. ساعت نه ونیم به مجلس رسیدم. با خبرنگاران آمریکائی مصاحبه‌ای داشتم. درباره سیاست داخلی و خارجی و جنگ و تروریسم!

گروهی از مسئولان برنامه ریزی و [تألیف] کتب درسی آموزش و پرورش، به ریاست آقای [غلامعلی] حداد عادل آمدند. با جامعه مدرسین [حوزه علمیه] اختلاف داشتند، بر سر اینکه در کتب درسی، برنامه خاص تعلیمات دینی اهل سنت، چگونه تهیه و توزیع شود. قرار شده چند درسی به صورت ضمیمه اضافه شود، به تعلیمات دینی. این کار معمول است، برای محیط‌های سنی نشین، مثل کردستان و بلوچستان و... مدرسین می‌گویند، این کار را خود اهل سنت بکنند.

آقای دکتر اعلی اکبر اولایتی آمد و از اینکه در جریان کاندیدا توری نخست‌وزیری و ریاست جمهوری، حرفهای نادرستی به ایشان گفته شده، چاره‌جویی می‌کرد. گفتم مجموعاً به نفع بود و فکری هم کردیم. دکتر [محمد] تقی [ابانکی]، وزیر مشاور و سرپرست برنامه و بودجه هم آمد و درباره خط مشی اقتصادی و شورای اقتصاد و کمیسیونهای تخصصی هر رشته، مطالب



شهادای هیئت مؤتمنه

صادق امانی همدانی - مرتضی سکنی زاده - رضا صفا، همدانی - محمود بیگلری

خوبی مطرح شد. بعد از ظهر، ملاقاتی طولانی با اعضای هیأت‌های مؤتلفه<sup>۱</sup> قدیم که اکثراً عضو حزب جمهوری اسلامی هستند، داشتیم. درباره اقتصاد و امنیت، مطالبی داشتند و گفتند آقای مهدوی کنی، اخیراً دستور داده کمیته‌ها، بدون امضای ایشان، احکام دادستانی انقلاب را اجرا نکنند.

شب، آقای محمدزاده آمد. پیشنهاد همکاری تجاری با کمپانی بزرگ هندی - هندوجا - را می‌داد و فیلم "عمر مختار" لیبیائی را آورد که من بینم. امام جمعه‌نکا هم شب به ملاقات آمد؛ برای امور فرهنگی منطقه. آخر شب، به منزل آمدم.

جمعه ۱۵ آبان

۹ محرم - ۶ نوامبر

پیش از ظهر، در خانه به مطالعه در اطراف "شهادت و عاشورا" پرداختم. عفت و بچه‌ها برای زیارت، عازم شهرستان قم شدند. ساعت یازده، برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم. سخنران پیش از خطبه‌ها، آقای [عبدالمجید] معادیخواه وزیر ارشاد بود. قطعنامه‌ای از طرف هیأت‌های عزادار قرائت شد و من خطبه‌ای راجع به فلسفه قیام کربلا و آثار آن و خطبه‌ای درباره مسائل جاری و لزوم برنامه‌ریزی و دادن اعتماد به بخش خصوصی برای فعال شدن ایراد کردم<sup>۲</sup>. اول شب، حمید و فائزه آمدند و شب را پیش من ماندند، چون تنها بودم. مقداری آنها را تسلیت دادم و ارشاد کردم؛ غیر مستقیم گله داشتند که چرا من با صراحت نگفتم که آقای لاهوتی در زندان سخته کرده و فوت شده. برنامه رادیو و تلویزیون، بیشتر عزاداری بود.

از اهواز، آقای محسن رضائی فرمانده سپاه تماس گرفت، درباره جنگ مطالبی گفت. منتظر حمله به عراقیها هستیم، ولی به علی عقب می‌اندازند. باید با پیروزی به جنگ خاتمه

۱ - هیأت‌های مؤتلفه اسلامی از جمله گروه‌های اسلامی است که در سالهای پیش از انقلاب با راهنمایی روحانیون، به مبارزه با رژیم پهلوی می‌پرداختند. این افراد متشکل از گروه‌های کوچک اسلامی بودند که با هم ائتلاف کرده بودند. شهید سید مجتبی نواب صفوی از بنیانگذاران این هیأت‌ها بوده و رهبری مذهبی آنان را عهده‌دار بود. این گروه سیاسی، به مبارزه مسلحانه با رژیم شاه پرداختند و چند ترور سیاسی انجام دادند که تعدادی از دستگیر شدگان تیرباران شدند.

۲ - کتاب "هاشمی و فتنه‌جانی - خطبه‌های نماز جمعه - ۱۳۶۰".

بدهیم. مقداری از گزارشها و نامه‌ها را به خانه آوردم، خواندم و جواب دادم.

شنبه ۱۶ آبان

۱۰ محرم - ۷ نوامبر

امروز تمام وقت در خانه ماندم و گوش به مراسم عزاداری از رادیو و تلویزیون دادم، مقداری وقت هم صرف زیارت عاشورا کردم. تقریباً در خانه تنها بودم. پیش از ظهر آقای ایحیی ارحیم صفوی فرمانده عملیات سپاه در خوزستان آمد و سه طرح جنگی را در جنوب و غرب ارائه داد. حداقل دو هفته تا اجرای اولین طرح، وقت لازم است. از فرصتی که برایشان تعیین کرده بودیم، چند هفته تأخیر دارند.

عصر، تلفنی از آقای خامنه‌ای و آقای امیرحسین اموسوی نخست وزیر احوالپرسی کردم و اخبار کشور را گرفتم. احمد آقا تلفن کرد و گفت، اطلاع داده‌اند گروهی حسینه ارشاد را اشغال کرده‌اند؛ به عنوان اعتراض به لیبرالها و قرار شد فوراً آنها را بیرون کنند و تیبیه. عمل غلطی است، خود آنها مایلند حسینه را تحویل بدهند. عفت و بچه‌ها اول شب از قم آمدند و از ازدحام و شور عزاداری [عاشورا] امسال قم می‌گفتند.

یکشنبه ۱۷ آبان

۱۱ محرم - ۸ نوامبر

اول وقت، دکتر احسن اروحانی آمد که گزارش مأموریت بازرسی جنوب را بدهد. ایشان با هیأتی به جبهه رفته بودند که مسأله بمباران بندر ماهشهر و آبادان و... را که اخیراً عراق انجام داده، و عدم فعالیت پدافند ما را بررسی کنند. در مجموع نظرشان این است که مدافعان ماهشهر، تقصیر یا قصور دارند. در آبادان ممکن است به خاطر نداشتن ابزار پیشرفته و مؤثر، قابل دفاع باشد.

به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم و نامه‌ها را امضاء کردم. آقای ناطق نوری آمد و از جلسه‌ای که در زندان اوین، برای زندانیان اخیر گذاشته‌اند، گفت و معتقد بود که اگر از تلویزیون پخش شود، خیلی مفید است. هزاران نفر از جوانهای زندانی، شرکت می‌کنند و به نفع جمهوری

اسلامی و علیه منافقان، شعار می دهند و سرود به نفع جمهوری اسلامی می خوانند و افشاگری می کنند. فریب خورده بودند و تنبه شده اند.

بعد از نماز ظهر، در جلسه ای که دانشجویان دانشکده افسری، برای چهارم شهادت سرتیپ نامجو داشتند، شرکت کردم و برایشان صحبت کردم<sup>۱</sup>. ساعت چهار بعد از ظهر، جلسه فوق العاده شورای عالی دفاع داشتیم. آقای ظهیرنژاد رئیس ستاد به انتقال نیرو از آذربایجان به خوزستان، توسط نیروی زمینی اعتراض داشت. اعتراضش را وارد ندانستیم.

در جلسه شورای مرکزی حزب، شرکت کردیم. بحث درباره حرکت و نظام حزب داشتیم و عده ای از نرسیدن سران به اعضا و بی جواب ماندن سئوالات آنها، گله داشتند و قرار شد آقای امصطفی امیرسلیم از بنیاد جنگ زدگان، به وزارت کشور برای معاونت، منتقل شود.

جلسه ای با آقای محمد غرضی وزیر نفت داشتیم. می گوید مشتریها دارند می آیند و فروش بالا می رود و قرار شد که پالایشگاه تصفیه گاز مایع ماهشهر را خاموش کنند که خطر حمله عراق به آن کم شود. سپس جلسه با آقایان اسیدعلی اخامنه ای، (عبدالکریم موسوی اردبیلی و اسدالله الاجوردی داشتیم. درباره وضع زندانها و دادگاهها و... تصمیماتی اتخاذ شد.

دوشنبه ۱۸ آبان

۱۲ محرم - ۹ نوامبر

تا بعد از ظهر، در منزل ماندم. مقداری از آثار شهید مطهری و شهید بهشتی را مطالعه کردم و مقداری هم به عفت کمک کردم. عفت ترضی برای منزل درست می کرد، چون کمک نداشت، من کمک کردم. ناهار را بزقرمه درست کرده بود؛ از غذاهای بومی رفسنجان است. بعد از ظهر در مجلس، مصاحبه ای تلویزیونی با خبرنگاران انگلیسی داشتم<sup>۲</sup>. بیشتر انگشت روی نقاط ضعف - به نظر خودشان - می گذاشتند، زندانیها، اعدامها، ... من هم خونسرد، جواب توضیحی می دادم. سپس مصاحبه ای با مجله امید انقلاب ارگان سپاه داشتم<sup>۱</sup>.

۱ و ۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه های ۱۳۶۰.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه های ۱۳۶۰.



آقای نعمت از طرف بنیاد اسفراین آمد. می‌خواست به آنها در جهت ادامه طرح کمک کنم. اواخر رژیم شاه، طرحی تصویب شده که شورویها چند کارخانه عظیم ریخته‌گری فولاد و چدن و... در ایران بسازند، با ظرفیت ۲۵۰ هزار تن در خراسان و کرمان، ولی بعد از انقلاب با آن مخالفت کرده‌اند و هنوز راه نیفتاده‌است و گروهی در مقدمات کار فعالیت می‌کنند.

از طرف سندیکای شرکت واحد هم نماینده‌ای آمد و تقاضای داشتند. گویا مدیر عامل با سندیکا مخالف است. شب را در مجلس ماندم. تلویزیون، فیلمی از مراسم عزاداری زندانیها نشان داد. جمعی از جوانان کم سن و سال، در حدود هزار نفر که شعار علیه مجاهدین خلق می‌دادند و تقاضای عفو داشتند و ابراز ندامت می‌کردند. این گونه چیزها، در تاریخ بازداشت‌های سیاسی کم سابقه است. به نفع امام و جمهوری اسلامی و مسئولان شعار می‌دادند. نشان عدم عمق گروهکهاست.

سه شنبه ۱۹ آبان

۱۳ محرم - ۱۰ نوامبر

صبح زود پس از نماز و انجام کارهای اداری و مطالعه گزارشها، به جلسه علنی رفتم. مطلب مهمی در دستور نداشتیم. عضو علی‌البدل شورای سرپرستی صداوسیما را انتخاب کردیم. آقای اسیدحسن شاهچراغی<sup>۱</sup> با رأی اکثریت انتخاب شد. ظهر، جمعی از نمایندگان برای کارهای شخصی و حوزه‌های انتخابیه، به دفترم مراجعه کردند.

بحثی با آقای موسوی خوئینی‌ها، نایب رئیس مجلس داشتم که گفته بود اعضای حزب جمهوری اسلامی، افرادی را که از خودشان نیستند، می‌کوبند و از میدان بیرون می‌کنند و مثال را در مورد آقایان محمد غرضی و بهزاد نبوی آورده بود. استدلال کردم که برعکس، ما افراد لایق را پروبال می‌دهیم، برای ازدیاد نیرو و ترویج صلاحیتها و به دلیل عدم تعصب حزبی.

۱ - شهید سید حسن شاهچراغی نماینده مردم دامغان در مجلس شورای اسلامی بود. وی در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی غیر از نمایندگی مجلس در سمتهای ریاست دفتر دادستانی کل انقلاب، نماینده دادستان کل انقلاب در هیأت بررسی عملکرد بنیاد مستضعفان و مدیر مسئول روزنامه کیهان فعالیت داشت. شاهچراغی در سالهای اوج جنگ تحمیلی به جبهه اعزام شد و شربت شیرین شهادت نوشید.

عصر آقای اخسرو اتهرانی مسئول اطلاعات کشور آمد و گزارشی از پیشرفت کارهای ضد اطلاعاتی داد. از عدم فعالیت اطلاعاتی اکثریت سفارتخانه‌های اجانب در ایران گفت. و معتقد است فقط چند سفارت، فعالیت اطلاعاتی دارند.

اول شب، در جلسه شورای عالی اقتصاد در نخست وزیری شرکت کردم، بحث تورم بود. نرخ تورم خیلی بالاست، حدود ۲۰ درصد در پنج ماهه اول سال ۶۰، عوامل تورم و راههای علاج را بررسی می‌کردند. نتیجه گرفتند که تورم جهانی، بالا بردن حقوقهای سطح پائین، عدم اعتماد مردم به آینده اقتصادی و کمی پس انداز، معلوم نبودن تکلیف مالکیتها، معلوم نبودن رشته‌های بخش خصوصی و دولتی، عوامل روانی و تبلیغات اجانب و ضد انقلاب، محاصره اقتصادی و جنگ از عوامل تورم است و دادن اعتماد به مردم، توسعه تولید، بالا بردن دستمزدها، کنترل قیمتها و... برای رفع تورم مفید است.

شب، به خانه آمدم. عفت کله پاچه پخته بود. امروز عصر همراه خانم مطهری به منزل امام رفته بودند. می‌گفت امام هم بنا به اظهار خانم از فیلم دیشب زندان، متأثر شده‌اند.

چهارشنبه ۲۰ آبان

۱۴ محرم - ۱۱ نوامبر

دو روز عقب ماندگی خاطرات را جبران کردم. عفت با خانم شهید باهنر، برای ثبت نام در مدرسه شهید مطهری رفت. در مجلس تا یک بعد از ظهر، کمیسیون آئین نامه داشتیم. بعد از ظهر، سرهنگ محمد سلیمی وزیر دفاع آمد و در مورد دفتر مشاورت نمایندگان امام در شورای عالی دفاع که آقای خامنه‌ای تأسیس کرده‌اند و تحت سرپرستی آقای [محمد] سلیمی است، توضیحاتی داد. قرار شد، سرپرست جدیدی تعیین شود. فعلاً در اختیار من است. هدف، نظارت بر امر ارتش است.

بعد از استراحت، جلسه هیأت رئیسه تشکیل شد. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم. آقای دکتر ولایتی گزارشی داد از وضع دیوان محاسبات که تابع مجلس است؛ و نیاز دیوان برای کار بیشتر و کارمند جدید.

بعد از نماز مغرب و عشا، در دفتر رئیس جمهور با حضور وزیر نفت، نخست‌وزیر، احمدآقا، رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس بانک مرکزی، جلسه مشورتی درباره وضع ارزی کشور تشکیل شد. ذخیره ارزی در حدود دومیلیارد دلار است و ارزش طلاها در حدود پنج میلیارد دلار؛ هرماه نزدیک ۱/۵ میلیارد دلار واردات داریم و صدور نفت روزانه حدود پانصد هزار بشکه است؛ حدود ششصد میلیون دلار در ماه. اگر وضع چنین باشد به زودی ذخیره ارزی تمام می‌شود. آقای احمد غرضی معتقد است که به زودی با ارزان شدن قیمت نفت، ۳۴ دلار، صدور نفت بالا می‌رود و کمبود ارز جبران می‌شود. دیگران هم قبول داشتند، ولی احتیاطاً تصمیمات دیگری هم اتخاذ شد. شام را با احمد آقا و آقای خامنه‌ای صرف کردم؛ تصمیم گرفتیم به کشورهای خارجی کمتر حمله و فحاشی شود. صداوسیما کنترل شود. از اینکه در جبهه‌ها تحرک نیست، ناراحتیم، ولی در انتظار تحرک، صبر می‌کنیم.

پنجشنبه ۲۱ آبان

۱۵ محرم - ۱۲ نوامبر

پس از نماز، مشغول کارهای مجلس شدم. (میر غفار سجاد نژاد) نماینده بستان که به اتهامی اعتبارنامه‌اش در کمیسیون تحقیق است، آمد و چاره‌جویی می‌کرد. در جلسه علنی، با حضور شورای نگهبان طرح تعیین تکلیف نمایندگان کثیرالغیبت، مطرح بود. کلیات آن تصویب شد.<sup>۱</sup> قبل از جلسه و هنگام تنفس، طبق معمول به گرفتاریهای نمایندگان پرداختم. ظهر هم تا ساعت دو، گروهی به دفترم مراجعه نمودند.

آقایان محمدعلی امجدی، افضل الله مهدیزاده (محلاتی) و محمد اخوی آمدند. گله داشتند که تلویزیون مصاحبه آقای مهدوی کنی دیرکل جامعه روحانیت را پخش نکرده. محمد دفاع کرد و قرار شد، امشب پخش شود و شد.

۱- به موجب این طرح نماینده‌ای که بیش از یکصد ساعت متوالی، یا دوست و پنجاه ساعت غیر متوالی از اوقات رسمی جلسات مجلس و کمیسیون را بدون عذر موجه در یک غیبت نماید، بدون حق استرداد در مهلت پانزده روزه استعفی شناخته خواهد شد. نمایندگانی که در دوره اول بنا بر اصل فوق استعفی شناخته شده‌اند. ۱- محمد مهدی کرمی (دشت آزادگان)

۲- احمد سلامتیان (اصفهان) ۳- احمد غضنفرپور (لنجان) ۴- علی گلزاده غفوری (تهران)

ساعت چهار در دفتر آقای خامنه‌ای با حضور نخست وزیر و اعضای ستاد انقلاب فرهنگی جلسه داشتیم، برای اطلاع از پیشرفت کار آنها. آقای دکتر احسن حبیبی گزارش دادند. خوشحال شدیم. برای افتتاح دانشگاهها برنامه‌هایی در جهت محتوای درسی و مدیریت و شرایط استاد و دانشجو تهیه کرده‌اند.

دو لایحه هم برای ادغام دانشکده‌های پزشکی و وزارت بهداشتی و بیمارستانها و توسعه تربیت معلم به دولت داده‌اند، قرار شد لوایح مطرح شود و رفته رفته شروع کار دانشگاهها اعلان شود. حجم دانشکده‌های پزشکی دو برابر و تربیت معلم چند برابر خواهد شد. در دوره تعطیلی دانشگاهها، هزار تألیف و ترجمه شده و جهاد دانشگاهی، خدمات زیادی کرده و نیروهای دانشگاهی، اعم از استاد و دانشجو در جهت عمران و صنایع، خدمات زیادی کرده‌اند و با باز شدن دانشگاهها، مشکل کمبود نیرو خواهیم داشت.

جمعه ۲۲ آبان

۱۶ محرم - ۱۳ نوامبر

تمام وقت، در منزل ماندم. با اجازه امام از آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور، خواهش کردم به جای من نماز جمعه را اقامه کنند و قبل از نماز هم دادستان کل انقلاب سخنرانی داشت. تمامی تریبون نماز جمعه در اختیار قوه قضائیه بود. پیش از ظهر، مقداری در حیاط قدم زدم و چمنها را آب دادم و مقداری مطالعه کردم و نوشتم. مهدی و یاسر هم با نوه‌های امام و سایر دوستانشان، بازی می‌کردند. عفت کارهای خانه را انجام می‌داد و برای مهمانانش غذا تهیه می‌کرد.

نزدیک ظهر، خانواده مرحوم اخوی حاج قاسم آمدند. ناهار را مهمان ما بودند. بعد از ظهر پس از استراحت، مصاحبه‌ای با مجله عروه الوثقی داشتم<sup>۱</sup>. سال گذشته، شهید حسن اجاره‌دار مصاحبه‌ای را با من آغاز کرده بود که شرح حال خودم را همراه با تاریخ مبارزه بگویم، چهار ساعت نوار پر شده بود، که تا سال ۴۵ رسیده بودم و امروز از ساعت چهار تا هشت بعد از ظهر،

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

صحبت کردم و چند نوار دیگر پر شد. هم تاریخچه خودم بود و هم گوشه‌ای از تاریخ مبارزات اسلامی ایران و مقداری هم راجع به انجمن حجیه که یکی از مسائل روز است، برای آنها توضیح دادم.<sup>۱</sup>

این انجمن در گذشته، به منظور مبارزه با بهائیتها تشکیل شد و مخالف مبارزه بارزیم پهلوی بود. معتقد بود که امکان ندارد، قبل از ظهور امام زمان حکومت اسلامی تشکیل شود و جمع زیادی از جوانان را متشکل کرده بود. بعد از انقلاب اینها وارد بسیاری از کارهای دولتی، مخصوصاً فرهنگی شده‌اند و امروز عده‌ای با آنها مخالفت می‌کنند.

آقای جنتی، عضو شورای نگهبان در نماز جمعه قم سئوالاتی در مورد آنها طرح کرده‌اند و تبدیل به مسأله روز شده.<sup>۲</sup> نباید مزاحم آنها شد. افراد مسلمان و معتقدی هستند؛ ولی انقلابی نیستند. معروف است، شاخه‌ای از آنها ولایت فقیه را قبول ندارند؛ ولی خودشان منکر این اتهامند. شب محمد اخوی و خانواده‌اش، مهمان ما بودند. می‌خواهند تغییراتی در برنامه رادیو تلویزیون بدهند. تغییر مهمی در جنگ و جبهه نداشتیم.

شنبه ۲۳ آبان

۱۷ محرم - ۱۴ نوامبر

پیش از ظهر، در خانه ماندم. عفت به کلاس درس رفته بود. بیشتر به مطالعه پرداختم. اول وقت آقای (سید محسن) دعا گو آمد. ایشان در بخش ایدئولوژی حزب و عصرها در زندان اوین کار می‌کند و سرپرستی تدوین «کلید قرآن» که مواد آنرا در زندان دوره طاعوت تهیه کرده‌ام، به

۱- کتاب «هاشمی رفسنجانی - دوران مبارزه - دفتر نشر معارف - انقلاب دو جلد، ۱۳۷۶».

۲- هفت سوال به این ترتیب است: ۱- شما قبل از انقلاب، ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب و یا مخالف انقلاب بودید و یا بی تفاوت نسبت به انقلاب، آیا شما خط عوض کرده‌اید یا نه؟ ۲- آیا حاضرید اعتراف کنید که خط سابقتان غلط بوده است؟ ۳- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار می‌کردید، اکنون که بهائیت وجود ندارد، رسالتان در این تشکیلات چیست؟ ۴- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ ۵- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز بهره‌وری و به ارگانهای انقلابی نمی‌دهید، چیست؟ ۶- آیا شما به خودتان اجازه می‌دهید از امکانات دولتی استفاده کنید و در رابطه با استفاده، مجوز قانونی و شرعی دارید یا نه؟ ۷- دلیل اینکه تمام تکیه‌تان روی ضدانقلاب چپ است و از ضدانقلاب راست غفلت می‌ورزید، چیست؟

عهده دارد. صورت جلسه‌های جلسات اقتصادی آقای شهید بهشتی را آورد که من مطالعه کنم و آماده برای اداره جلسات شوم.

رئیس جمهور و هیأت دولت، به زیارت امام آمده بودند. ظهر غذا نداشتیم، از رستوران گرفتیم. عصر در جلسه سمینار مسئولان بنیاد شهید شرکت کردم و سخنرانی نمودم<sup>۱</sup>. قرار بود شورای عالی دفاع، جلسه داشته باشد. من شرکت نکردم و از آقای خامنه‌ای خواستم که ایشان اداره کنند و بعداً معلوم شد ایشان هم به خاطر درد دست شرکت نکرده‌اند و جلسه تشکیل نشده است.

اول شب، اطلاع رسید، انبار مهمات سپاه پاسداران در اهواز منفجر شده. چند روز پیش هم چنین اتفاقی در آبادان برایشان افتاده؛ ناشی از بی نظمی است. امروز با مرکز فرماندهی نیروی زمینی در اهواز تماس گرفتم؛ گفتند وضع خوب است و برنامه‌ها درست انجام می‌شود.

## یکشنبه ۲۴ آبان

۱۸ محرم - ۱۵ نوامبر

بعد از نماز و صبحانه، عفت به کلاس رفت و من به مجلس. جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور درباره مانور نیروهای واکنش سریع آمریکا که در مصر، سودان، سومالی و عمان، مانور می‌دهند و درباره اظهارات نمایندگان سوسیال دموکرات پارلمان آلمان غربی، درباره اعدامهای ایران و اعتراض به تجاوز عراق و محکوم کردن محاصره اقتصادی و تروریسم صحبت کردم و آنها را محکوم نمودم<sup>۲</sup>. مورد استقبال نمایندگان قرار گرفت.

طرح تعیین تکلیف نمایندگان کثیرالغیبت تصویب شد و به موجب آن، غیبت غیر موجه یکصد ساعت متوالی و ۲۵۰ ساعت غیر متوالی، استعفاء تلقی می‌شود. پس از تنفس آقای موسوی خوئینی‌ها مجلس را اداره کرد و من به دفترم رفتم.

آقای اسیدمحمد کیاوش نماینده اهواز آمد. در انفجار مرکز حزب جمهوری اسلامی ناقص

۱- کتاب آهاسمی رفسنجانی - سخنرانیهای سال ۱۳۶۰.

۲- کتاب آهاسمی رفسنجانی - نطقهای پیش از دستور ۱۳۶۰.

شده است، برای چند عمل جراحی، می‌خواهد به خارج برود. خیلی صدمه دیده و رنج کشیده و خیلی روحیه‌اش خوب است. ظهر عده‌ای از روحانیون اهل سنت و نمایندگان مردم جوانرود آمدند و با آنها ملاقات کردم. اظهار وفاداری به جمهوری اسلامی می‌کردند و خواسته‌هایی داشتند. جمعی از نمایندگان مجلس، برای کارهای خودشان آمدند.

عصر، جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری در مجلس تشکیل شد. درباره اختلافاتی که با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد، بحث شد. قرار شد سه نفر از ما و سه نفر از آنها، جلسه مشترکی برای هماهنگی و رفع اختلاف، داشته باشند. شب در دفتر کارم ماندم و گزارشهای دو سه روز را که عقب افتاده بود، خواندم و کارهای اداری مجلس را انجام دادم. در آمل از جنگل حرکت جدیدی از طرف ضدانقلاب به عنوان "سربداران" شروع شده و چند نفر از سپاه و ژاندارمری را شهید کرده‌اند و ضربه‌هایی به آنها خورده و نیروهای دولت آماده مبارزه با آنها در جنگل شده‌اند.

خبر رسید، استاد علامه طباطبائی<sup>۱</sup>، فقیه، فیلسوف، مفسر و عارف اسلامی فوت شده است. اعلامیه‌ای از طرف مجلس دادم<sup>۲</sup>. شخص بزرگی را از دست داده‌ایم.

دوشنبه ۲۵ آبان

۱۹ محرم - ۱۶ نوامبر

به خاطر داشتن دو فوریتی، جلسه علنی داشتیم. [الایحه تشکیل] پلیس قضائی در شور اول

۱ - علامه سید محمد حسین طباطبائی ۱۲۸۲ هجری شمسی در تبریز به دنیا آمد. در سال ۱۳۰۴ رهپار نجف اشرف شدند و ده سال در آن مرکز بزرگ تشیع به تکمیل معلومات خود در شعب مختلف علوم اسلامی پرداختند.

از جمله تألیفات این دانشمند بزرگ شیعه تفسیر المیزان، شیعه در اسلام و اصول فلسفه رئالیسم را می‌توان نام برد.

۲ - در این اعلامیه آمده است: انالله و اناالله راجعون، علمای بزرگ اسلام که از سرچشمه‌های فیض الهی و معارف قرآنی سیراب شده‌اند، منابع و ذخایر گرانبهای اسلام و امت اسلامند.

مجلس شورای اسلامی ضایعه مؤلمه فقدان عالم ربانی، فیلسوف الهی، عارف مهذب، مفسر کبیر قرآن و شاگرد نمونه امام صادق (علیه السلام)، استاد گرانقدر و بزرگوار علامه طباطبائی را به حضور امام امت، ملت قدرشناس و حوزه‌های علمیه و خانواده محترم آن فقید سعید تسلیت می‌گوید.

همچنین از طرف مجلس شورای اسلامی حجت‌الاسلام محمد یزدی نایب رئیس مجلس در مراسم تشییع جنازه آن عارف عظیم‌الشان شرکت می‌نمایند.



علامہ سید محمد حسین طباطبائی





تصویب شد. لایحه توقف احکام دادگاهها، در مورد تخلیه محل مسکونی مورد اجاره به مدت یک سال، تصویب گردید. شورای نگهبان در مجلس بودند. پیش از دستور درباره علامه طباطبائی صحبت کردم. در قم جنازه آقای طباطبائی با شکوه تشییع گردید. آقای یزدی نایب رئیس مجلس، از طرف مجلس شرکت کرد. عصر در مدرسه شهید مطهری از طرف امام و مجلس و مقامات دیگر، مجلس ترحیم بود.

در جلسه، عده‌ای از نمایندگان با توقف احکام دادگاهها، به عنوان مخالفت داشتن با اسلام مخالفت کردند و من با ناراحتی از اینکه اسلام را به نفع اغنیا تفسیر می‌کنند، از لایحه دفاع کردم. آنها از من ناراحت شدند که تلویحاً آنها را متهم به حمایت از اشراف کرده‌ام. بعد از ظهر در جلسه حزبی نمایندگان، شرکت کردم. آقای اسدالله ابادامچیان و آقای احسن اغفوری فرد راجع به مشکلات شهرستانها صحبت کردند.

مصاحبه‌ای با مجله آینده سازان درباره دانش آموزان داشتم<sup>۱</sup>. دو نفر از دانشکده افسری آمدند و از آقای سرهنگ خاتمی فرمانده دانشکده، که به جای سرهنگ نامجو آمده، شکایت داشتند و از صیاد شیرازی<sup>۲</sup> نیز که او را گذاشته است.

عده‌ای از مسئولان حزب آمدند و از کم توجهی ما به مسائل حزب، گله داشتند. قانعشان کردیم که مصالح حزب و انقلاب با هم است و لازم است که ما به نیازهای فوری انقلاب، توجه داشته باشیم.

آقای اسماعیل معزی نماینده ملایر آمد. دو فرزندش را به خاطر عضویت در مجاهدین خلق بازداشت کرده‌اند؛ کمک می‌خواست و معتقد است آنها حاضرند توبه کنند. آخر شب به خانه آمدم.

با احمد آقا درباره اینکه امام دستور داده‌اند، ویژه نامه خبرگزاری پارس<sup>۳</sup>، فقط به پنج نفر داده شود و به وزرا و نمایندگان ندهند، صحبت کردم؛ گفتند، علت این است که حرفهای

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲- نام خبرگزاری پارس بعدها به "خبرگزاری جمهوری اسلامی" تغییر یافت.

ضد انقلاب در آن درج می‌شود و نباید خودمان، وسیله انتشار بیشتر آن باشیم.

سه شنبه ۲۶ آبان

۲۰ محرم - ۱۷ نوامبر

تا بعد از ظهر، در خانه ماندم. عشت به کلاس رفت و ظییر برگشت. فرصتی برای مطالعه یافتم. بنامت بخش "معاد" را از موضع حزب جمهوری درس بدهم. کتاب معاد آقای مطهری را مطالعه نمودم. استفاده بردم.

نزدیک ظهر، احمد آقا آمد. و راجع به ارتش و اختلافات سیاسی ایدئولوژیک با انجمنهای اسلامی از یک طرف، با فرماندهان نیروی هوایی و زمینی از طرف دیگر، صحبت داشت و راجع به موضوعات متفرقه دیگر نیز تصمیم گرفتیم. ناهار را در خانه، چیزی نداشتیم، از بیرون آوردند. آقا جلال را فرستاده بودم که چیزهای شخصی مرحوم لاهوتی را که دادستانی هنگام بازداشت ایشان از منزلشان برده بود، بگیرد؛ بعد از ظهر آورد.

به مجلس رفتم، تا هشت شب، چندین ملاقات داشتم. کارها را با تلفن انجام دادم. سپس در دفترم، جلسه شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران، تشکیل شد. تصمیماتی گرفتیم و درباره بهتر کردن وضع زندانیها، مذاکراتی به عمل آمد و تصمیماتی اتخاذ شد. عصر، رهبران حزب توده آمدند و گزارشهایی کم ارزش آوردند و امتیاز می‌خواستند. دوستان و مسئولان بخشهای حزب جمهوری اسلامی هم آمدند و از عدم توجه کافی ما به حزب، گله داشتند. در مجلس خوابیدم.

چهارشنبه ۲۷ آبان

۲۱ محرم - ۱۸ نوامبر

بعد از نماز صبح، کارهای اداری را انجام دادم و گزارشها را خواندم. به جلسه کمیسیون آئین نامه رفتم. مصاحبه‌ای با تلویزیون، درباره مصوبه مجلس در خصوص عدم اجرای حکم دادگاهها، درباره تخلیه مساکن اجاری نمودم. باشت شد، پنج دقیقه دیر به کمیسیون برسم، ۲۵

تومان جریمه شدم؛ هر دقیقه پنج تومان جریمه می‌کنیم. بعد از کمیسیون، هنگام نهار چند ملاقات داشتم. پس از نماز واستراحت، جلسه هیأت رئیسه تشکیل شد. برنامه هفته آینده را درست کردیم و تصمیماتی اداری و امنیتی هم گرفتیم.

بعد از نماز مغرب و عشا، به دفتر رئیس جمهور رفتم. مسئولان سیاسی ایدلوزیک، انجمنهای اسلامی، فرماندهان نیروهای زمینی، هوایی و دریایی، رئیس ستاد ارتش، وزیر دفاع و احمد آقا جمع بودند و اختلافات آنها مطرح بود. آنها را نصیحت کردیم. اختلافات ریشه‌دار نیست. گله مانند است. قرار شد جلسه مرتب داشته باشند. رئیس ستاد آقای ظهیرنژاد چون خواسته‌اش، تأمین نشد، با ناراحتی رفت و خبر رسید که تصمیم به استعفا گرفته؛ اگر استعفا ندهد بهتر است.

ساعت نه، جلسه‌ای در همان جا با آقایان [جلال‌الدین] طاهری اصفهانی، امام جمعه اصفهان و اعلیٰ اکبر پرورش و وزیر آموزش و پرورش و... داشتیم. درباره اختلافات در اصفهان و مخصوصاً اختلاف آنها با حزب جمهوری اسلامی نتیجه‌بخش بود. قرار شد در اصفهان، جلسه‌ای تشکیل دهند و آقایان پرورش و طاهری هم باشند و همکاری نمایند.

شام را مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. آقای صادق طباطبائی<sup>۱</sup> و احمد آقا هم بودند. صادق با کروب آلمان، مذاکراتی کرده و پیش نویس قرار دادی، درباره فروش نفت و معاملات تهاتری و پرداخت دیون را آورده بود.

پنجشنبه ۲۸ آبان

۲۲ محرم - ۱۹ نوامبر

پس از نماز و مقداری مطالعه به جلسه علنی رفتم. بعد از تلاوت قرآن، اداره مجلس را به عهده آقای موسوی خوئینیها، نایب رئیس، گذاشتم و به دفتر کارم آمدم. از آبادان، آقای جمی، امام جمعه تلخ کردند و از بمباران هر روزه شهر توسط هواپیماهای عراقی و عدم دفاع مؤثر ما، شکایت داشتند. به نیروی هوایی گفتم؛ معلوم شد کار مؤثری نمی‌توانند بکنند و دیروز یک

۱ - آقای صادق طباطبائی فرزند آیت‌الله سلطانی طباطبائی و برادر همسر مرحوم حجت‌الاسلام حاج سید احمد حمینی.

اف - چهارده از دست داده‌ایم. در فکر هستند، توپهای ضد هوایی با برد بیشتر، در آنجا مستقر نمایند. به انتظار حمله وسیع نیروهای خودمان، این ضعفها را تحمل می‌کنیم.

ظهر، آقای سید حسن طاهری خرم آبادی آمد و راجع به اختلافات حزب اللهی‌های آنجا با مسئولان توضیحاتی داد. طرفدار حزب اللهی‌هاست. و از امام جمعه ناراضی بود.

آقای منتظری، اخیراً ایشان را مسئول امور روحانی سپاه کرده‌اند و آقای [فضل الله] محلاتی که از طرف امام آنجاست و سپاه ایشان را تحویل نمی‌گیرد، ناراحت است. در این باره هم بحث کردیم. از دادستان انقلاب، درباره آقای مانیان پرسیدم. معلوم شد ایشان را بازداشت کرده‌اند. از جبهه ملی است.

بعد از ظهر، گروهی از سران حزب و نمایندگان حزبی آمدند و درس مواضع را در بحث معاد دادم و فیلم برداری شد که در کلاسها بگذارند. قرار است تمام مواضع حزب را به همین گونه، برای کلاسها فیلم برداری کنیم.

بعد از نماز، ملاقاتی با ابوشریف داشتم که به عنوان سفیر ایران، عازم پاکستان است. توضیحی درباره سیاست ما نسبت به پاکستان و افغانستان دادم. آقای مهدی هاشمی مسئول نهضت‌های آزادیبخش آمد و گزارشهایی داد و نگران تصمیمات مجلس، درباره این واحد بود. نمایندگان انجمنهای اسلامی دانشجویان هندوستان آمدند و کمک مالی و تبلیغاتی می‌خواستند؛ قول دادم. نمایندگان انجمنهای اسلامی دانشجویان - دفتر تحکیم وحدت - آمدند و نیم ساعت برایشان صحبت کردم<sup>۱</sup> و جواب سئوالها را دادم. ساعت ده شب، به خانه آمدم.

جمعه ۲۹ آبان

۲۳ محرم - ۲۰ نوامبر

بعد از نماز، سه روز عقب ماندگی خاطرات را جبران کردم. خانواده دکتر وحید دستجردی<sup>۱</sup> و دکتر واعظی آمدند. حسن بوستان عضو انجمن اسلامی گمرک که اخیراً به خاطر درگیری با وزیر دارایی، اخراج شده، شکایت داشت و از کج رویهای مدیران آنجا می‌گفت. اخیراً در

۱ - کذب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.



حزب جمهوری اسلامی ایران  
کلاس درس مواضع ما

بعضی از وزارتخانه‌ها، درگیریهایی بین انجمنهای اسلامی و مسئولان به وجود آمده. ساعت ده، آقایان محسن رضایی، اعلی‌اشمخانی و ایحی - رحیم اصنوی فرماندهان سپاه آمدند و شرح کارها و پیشرفت جبهه‌ها را گفتند و برنامه جنگ را توضیح دادند. روز حمله را تعیین کرده‌اند. نزدیک است و در انتخاب روز حمله، ذوق به خرج داده‌اند. امید است، موفق شوند.

ساعت یازده، به دانشگاه برای نماز جمعه رفتیم. به خاطر اینکه راهپیمایی بود و خیابانها شلوغ، قدری دیر رسیدم. به دعوت آقای منتظری برای ابراز مخالفت با طرح سعودیها برای فلسطین، مردم سراسر ایران، امروز راهپیمائیهای عظیمی راه انداخته‌اند. میلیونها نفر با شعارهای تند که اهانت به عرفات و سعودی و آمریکا دارد، تظاهرات نمودند. مردم، خیلی آمادگی دارند. قبل از نماز، آقای عبدالله جوادی آملی، صحبت کردند و قطعنامه راهپیمایی خوانده شد. من در خطبه‌ها از حاکمیت قانون و مخالفت با کارهای افراطی بعضی نهادها، صحبت کردم و در خطبه دیگر، طرح سازش با اسرائیل را تحلیل کردم و شناسائی اسرائیل را خطرناک معرفی کردم<sup>۱</sup>. ظهر در خانه کسی نبود. ناهار را خودم درست کردم. تا شب تلویزیون تماشا کردم و کتاب "عدل الهی" را مطالعه نمودم<sup>۲</sup>.

شنبه ۳۰ آبان

۲۴ محرم - ۲۱ نوامبر

صبح در خانه ماندم. مقداری درباره آیات مربوط به حضرت عیسی (علیه السلام) و کیفیت انتقال ایشان از دنیا مطالعه کردم. ساعت ده خدمت امام رفتم. شورای عالی قضایی هم بودند. خواستار تسریع تصویب مجلس، در لوایح فوری قضایی، برای اصلاح امور دادگستری بودند. امام در مورد حفظ خودمان و رئیس جمهور تأکید کردند. به ستاد ارتش رفتم که از دفتر مشاورت بازدید نمایم. این دفتر را آقای خامنه‌ای موقعی که

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول ۱۳۶۰.

۲ - کتاب عدل الهی از جمله نوشته‌های استاد شهید مرتضی مطهری است.

تاریخ: ۶۰/۷/۲۶

فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی دامت افاضانه  
بدین وسیله جنابعالی به سمت نمایندگی از طرف اینجانب در شورای عالی دفاع منصوب  
می‌شوید که انشاءالله تعالی ضمن انجام وظایف محوله، به ادارات مربوطه دیگر نیز رسیدگی و نظارت  
نمائید موفقیت جنابعالی را از خدای تعالی مسئلت دارم.

روح الله الموسوی الخمینی

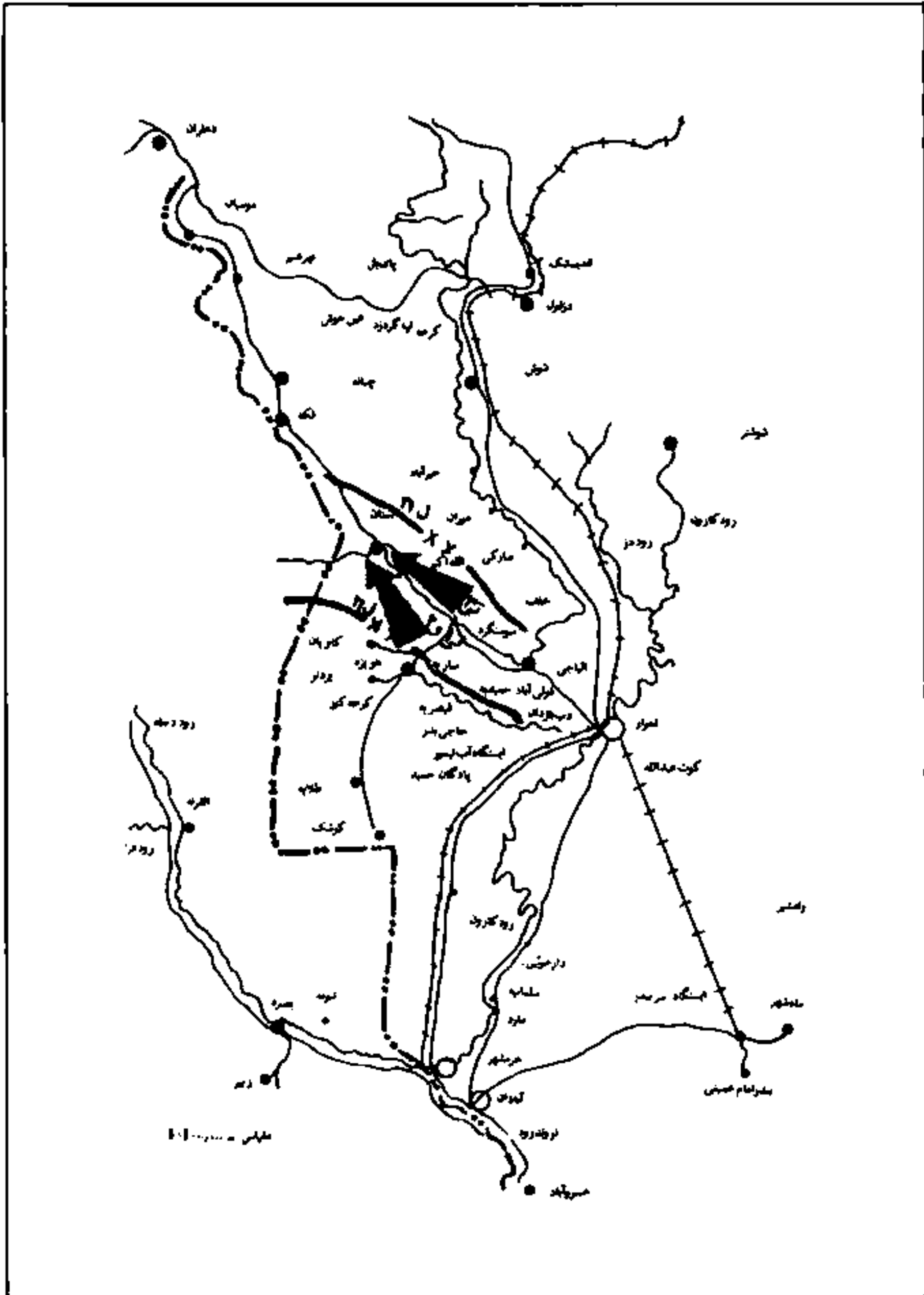
نماینده امام در شورای عالی دفاع بوده‌اند، تأسیس کرده بودند، برای نظارت بر امور ارتش؛ و من فعلاً باید آن را اداره کنم، چون من نماینده امام شده‌ام. فقط پنج نفر کارمند دارد و دفاع هوایی جماران، زیر نظر این دفتر است. یک ساعت ونیم، به امور دفتر رسیدگی کردم. ظهر به مجلس آمدم. کارهای اداری را انجام دادم. اخبار را خواندم؛ خبر مهمی نداشتیم. تروریسم از وسعت افتاده. ولی گوشه و کنار کشور کارهای کم اهمیتی دارند. بعد از ظهر اسیدکمال الدین نیک روش [وزیر کشور آمد؛ نخست وزیر می خواهد ایشان را عوض کند. با من مشورت داشت. سپس در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم، وضع جبهه‌ها و خرید ابزار جنگی و دفاع از جزایر لاوان و خارک و... مطرح بود.





---

آذر ۱۳۶۰



### عمليات طريق القدس

هدف عمليات : گرفتن شهر بستان و تأمین تنگه جزابه و تسلط بر شمال رودخانه نیسان

یکشنبه ۱ آذر

۲۵ محرم - ۲۲ نوامبر

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه کم اهمیت تصویب شد. لایحه بی اثر کردن تمام اعدای مربوط به اراضی موات شهری که مالکیت آنها ملغی شده، تصویب نشد. عده‌ای از نمایندگان، برای کارهای شخصی و حوزه انتخابیه، مراجعه کردند.

آقای [سید محمد تقی] شاه‌رخ‌چی امام جمعه خرم آباد، پس از مدتی قهر به نماز جمعه رفته و عده‌ای حزب‌اللهی علیه او تظاهرات کرده و جمعی از آنها بازداشت شده‌اند و زد و خورد شده؛ عده‌ای منجمله بازرسی کل کشور، نظر بر این دارند که ایشان نباید به خرم آباد بروند.

آقای [حسن] صانعی از دفتر امام تلفن کرد؛ در این باره و درباره امام جمعه کرمان که قهر کرده مشورت کرد. ایشان هم با نهادهای انقلاب درگیر است. آقایان [محمد مهدی] جعفری نماینده دشتستان و [غلامعلی] شهرکی نماینده زابل آمدند و از فشار حزب‌اللهی‌ها گله داشتند. آقای شهرکی از خطر بسته شدن آب هیرمند، توسط افغانستان و لزوم ادامه کار سد سیستان و ضعف وزیر نیرو گفت.

خانم اعظم طالقانی هم که از سودان برگشته بود، گزارش سفرش را داد و از توجه دانشجویان سودان، به انقلاب و امام گفت. عصر در شورای مرکزی حزب شرکت کردم. وضع مالی حزب مطرح بود. ماهی دو میلیون و هشتصد هزار تومان خرج، هشتصد هزار تومان در آمد و دو میلیون کسری داریم؛ باید فکری کرد. بحثهایی شد و تصمیماتی اتخاذ شد، وضع مالی نسبت به ارقام گذشته، کمی بهتر شده. درباره روابط با مجاهدین انقلاب اسلامی و سیاستهای اقتصادی هم بحث شد. به خانه آمدم. به عفت در مورد درسهایش که اخیراً می‌خواند کمک کردم.

دوشنبه ۲ آذر

۲۶ محرم - ۲۳ نوامبر

عفت و بچه‌ها صبح زود به کلاس رفتند. تنها در خانه بودم. مراجعاتی داشتم و کمک کردم، به مجلس رفتم. کمیسیون آئین نامه داشتیم. بیشتر بحث، درباره کیفیت بحث مجلس درباره قرار

دادها و معاهده‌های خارجی بود که باید مطابق قانون اساسی به تصویب مجلس برسد. بعد از ظهر ملاقاتهای زیادی داشتم. از بنیاد مستضعفان آمده بودند و از خطر نفوذ خط چپ‌گرایی در صنایع و کارشکنی آنها می‌گفتند. از بسیج آمده بودند و آمار کارهای خود را دادند. می‌گویند دو میلیون نفر را آموزش نظامی داده‌اند. ۴۴ هزار نفر اکنون در دو هزار پایگاه مقاومت، مسجد، متشکلند.

اخوی‌ها محمود، احمد و محمد آمدند؛ درباره تقسیم ارثیه مرحوم ابوی درنوق صحبت داشتند. تا کنون به صورت مشاع اداره می‌شده است. اخوی احمد از یوگسلاوی برگشته بود. سرپرستی گروهی را داشته که برای کارهای فنی معادن مس سرچشمه، دوره می‌دیده‌اند. سی نفر بوده‌اند و چهار ماه دوره دیده‌اند. آقای آزادگان از همفکران اجنبش (مسلمانان مبارز - دکتر پیمان - آمد. می‌خواست وسیله‌ای برای جذب نیروهائی که از پیمان بریده‌اند و پناهی ندارند، درست شود. در حال حاضر با سوءظن با اینها برخورد می‌شود. به خاطر اینکه از عوامل نفوذی گروهکها، مثل کلاهی و کشمیری<sup>۱</sup> ضربه خورده‌ایم.

سرهنگ خاتمی، فرمانده دانشکده افسری آمد و از اتهام سوزاندن پرچمهای طاغوتی موزه دانشکده و نابود کردن آثار دیگر، دفاع کرد. شب در مجلس خوابیدم.

سه شنبه ۳ آذر

۲۷ محرم - ۲۴ نوامبر

جلسه علنی داشتیم، با تصویب چند طرح و لایحه. آقای محمد جواد حجتی کرمانی آمد. ضمن ابراز نوعی سرخوردگی از همکاری با اقلیت، ابراز تمایل داشتند، برای همکاری بیشتر با ما. از دوستان و همراهان قدیمی و مخلص انقلاب است و در عین حال تأکید دارد که نباید اقلیت را طرد کرد و از اینکه ماتوضیحات کامل برای روشن تر شدن ایشان با ماهیت اختلاف نداده‌ایم، گله کرد.

۱ - کلاهی عامل انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و کشمیری عامل انفجار در نخست وزیری و شهادت رجائی و اهنر، هر دو از عوامل نفوذی منافقین بودند.



محمد هاشمی بهرمانی احمد هاشمی بهرمانی محمود هاشمی بهرمانی  
اکبر هاشمی بهرمانی (رفسنجانی) - مرحوم فاسم هاشمی بهرمانی

جمعی از حزب‌اللهی‌های خرم‌آباد آمدند، برای توضیح جواب اظهارات مخالفانشان و استمداد برای رفع مشکلاتی که در رابطه با بی‌نظمی‌هایشان، برایشان پیش آمده، چند نفر را در رابطه با شلوغی در نماز جمعه بازداشت کرده‌اند.

شب در دفتر رئیس‌جمهور، با نخست‌وزیر و رئیس دیوان عالی کشور جلسه داشتیم. درباره زندانها، بازداشتها، محاکمه‌ها، جنگ و وزارت کشور بحث کردیم. برنامه عملیات آینده را خبر داده‌اند؛ با تأخیر انجام می‌شود. زمان حساس است تأخیرها به ضرر است، ولی کار محکم بهتر است. خرابکارها بمبی در ایستگاه راه آهن تهران منفجر کرده‌اند. خانمی و کودکی شهید شده‌اند و جمعی مجروح؛ از کارهای احمقانه است. ماهیتشان را فاش می‌کند. و چند کار ایدائی دیگر هم داشته‌اند.

چهارشنبه ۴ اذر

۲۸ محرم - ۲۵ نوامبر

در خانه کارهایی انجام دادم. یکی از پاسداران بیت امام آمد و از نواقص مربوط به حفاظت بیت گفت. کمیون آئین نامه داشتیم. پنج دقیقه دیر رسیدم. بیست و پنج تومان جریمه شدم. معمولاً برای مراعات شدن وقت در کمیسیونها جریمه می‌گیرند و اثر خوبی در تنظیم برنامه‌ها دارد. بحث درباره کیفیت رأی‌گیری بود.

ظهر شرکتی که بناست منازل مسکونی نمایندگان را بسازد، برای گفتگو درباره کارش آمد. قرار شده در زمینی در کنار مجلس قدیم - که در زمان رژیم قبل تهیه شده - محله مخصوصی برای نمایندگان ساخته شود؛ برای امنیت و رفاه نمایندگان. شرکت سازنده از بنیاد مستضعفان است.

از طرف وزارت کشاورزی هم آمدند و درباره معامله تراکتور از اتریش توضیح دادند. به خاطر احتمال اینکه در ترجیح تراکتور "اشتایر" اتریش بر ایتالیا ضرر به ما زده باشند، مورد اعتراض قرار گرفته‌اند.

عصر [جلسه] هیأت رئیسه داشتیم. برنامه‌ها را تعیین کردیم و تصمیمهای اداری دیگری

گرفتیم. تا شب در مجلس ماندم و گزارشها را مطالعه کردم. کارهایی با تلفن انجام دادم. در راه خانه موتور اسکورت محافظ من، تصادف کرد و دو نفر از پاسداران و عابری، زخمی شدند.

پنجشنبه ۵ آذر

۲۹ محرم - ۲۶ نوامبر

صبح زود به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. قبل از دستور به مناسبت دومین سالگرد تأسیس بسیج مستضعفین، درباره اهمیت نقش بسیج صحبت کردم<sup>۱</sup>. اداره مجلس را به آقای موسوی خوئینی‌ها سپردم و به دفترم برای انجام کارهای عقب مانده رفتم. شور اول لایحه دولتی کردن تجارت خارجی مطرح بود و تصویب شد. بیش از ظهر، مقداری برای بحث کلاس عصر مطالعه کردم.

ظهر یکی از علمای گیلان آمد و درباره اینکه دولت برنج را از مردم ارزان می‌خرد، حرف داشت. دولت برنج اعلا را کیلوئی ۱۸ تومان می‌خرد. ایشان می‌گفت، بیست تومان بخریم. آقایان امهدی اطیب و [بیژن نامدار] زنگنه آمدند و درباره لزوم تدوین استراتژی کلی انقلاب اسلامی صحبت کردند.

آقای اسید عبدالحسین دستغیب از شیراز تلفن کردند و تسریع در انتصاب استاندار شیراز را می‌خواستند. عصر کلاس درس مواضع حزب جمهوری اسلامی داشتیم. درباره جاویدان بودن انسان بحث کردم<sup>۲</sup>. اول شب آقای اخسروا تهرانی مسئول اطلاعات نخست وزیری آمد و از اطلاعاتی که درباره توطئه‌های قریب الوقوع عمال آمریکا رسیده، گزارشی داد. از طرف دیگر هم این اخبار می‌رسد. به نظر می‌آید، دشمنان داخلی و خارجی در تدارک توطئه‌ای هستند. آخر شب، از اهواز فرمانده سپاه و نیروی زمینی تلفن کردند و با رمز، خبر از یک روز تأخیر در شروع عملیات دادند. این تأخیرها به ضرر است، ولی عجله هم نمی‌شود کرد.

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - تلفظهای پیش از دستور ۱۳۶۰.

۲. کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰.



جمعه ۶ آذر

۳۰ محرم - ۲۷ نوامبر

تمام وقت به جز وقت نماز جمعه، در خانه بودم. پیش از ظهر، مقداری برای تهیه مطالب خطبه‌های نماز جمعه، وقت صرف کردم و مقداری هم به عفت درس دادم. صرف میر می خواند. ابواب ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید فیه را به اودرس گفتم. از کلاسهای مدرسه شهید مطهری عقب افتاده؛ جبران کردم.

پاسداری از بیت امام آمد و از کمبودها و نارواینها در امر حفاظت گفت و برای رفع آنها از من کمک خواست، مهم نیست. ساعت دوازده به دانشگاه تهران رفتم. در حاکمیت قانون و مسائل روز، منجمله شکست کنفرانس فاس، سخن گفتم (جمعی سران عرب در فاس مرا کش، جمع شده‌اند و جمعاً حاضر نشدند. طرح سعودی افهدا جزو دستور بوده و موارد اختلاف با ایران. جبهه پایداری هم مخالفت شدید داشتند. کنفرانس نتوانسته به کار خود ادامه دهد، به وقت دیگری موکول شده. و این برای ما فتحی عظیم بود) راجع به نیروی دریایی که فردا هفت آذر است، صحبت کردم!

بعد از ظهر آقای مهدیان آمد و از مسئول روزنامه کیهان آقای محمد اخاتمی، گله داشت. آقای مهدیان بعد از انقلاب کیهان را خرید. کیهان به اندازه تمام دارائیش ۱۶۵ میلیون تومان، مقروض بود. ایشان در مقابل تعهد پرداخت قرضها، آن را تملک کرد. بعداً اموال صاحب کیهان، مصادره شد و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت و امام، سرپرست برای کیهان تعیین کردند و آقای مهدیان مدیر امور مالی شد و فعلاً قهر کرده.

اول شب، احمد آقا آمد و درباره مسائل جاری صحبت کردیم. خانم عرب زاده آمد و راجع به دکتر ممکن، کار داشت. آقای ممکن معاون وزارت ارشاد در زمان آقای میناچی، سمپات مجاهدین و مشاور فرهنگی بنی صدر بوده و اکنون مخفی زندگی می کند. کمک می خواست که وضعش عادی بشود، بنا شد پیرسم. آیت الله منتظری امروز هفته میلاد پیغمبر (ﷺ) را هفته وحدت اعلام داشته‌اند.

شنبه ۷ آذر

۱ صفر - ۲۸ نوامبر

تا ساعت ده صبح در منزل ماندم. نماز و استحمام و صبحانه و استراحت داشتم. درسی از صرف میر به عفت دادم که به کلاس نرفته بود. خدمت امام رفتم. سئوالی در مورد پیوند چشم کردم. دکتر سجادی، متخصص پیوند قرنیه چشم از آمریکا آمده، می پرسد که برداشتن چشم انسانهای در حال مرگ و پیوند آن به انسانهای دیگر، جایز است یا نه. امام منع نکردند، ولی مایل نبودند تجویز آن هم، به ایشان منتسب شود. ایراد اگر باشد، از جهت لزوم دفن اجزا بدن میت و یا عدم جواز تنکیل<sup>۱</sup> مسلمان است<sup>۲</sup>.

مطلب دیگر درباره اعزام هیأت تحقیق به لرستان بود که امام به من و آقای خامنه ای دستور داده اند و بازرسی کل کشور این کار را کرده و نظریه هم داده؛ دیگر لزومی ندارد و امام اجازه دادند که نفرستیم. حال امام خوب بود. دکترها هم آمدند و فشار خونشان را گرفتند.

ظهر سرهنگ بابائی فرمانده پایگاه [هشتم شکاری] خاتم اصفهان آمد که عدم دفاع قوی نیروی هوایی از آبادان را برایم توجیه کند. عصر از اوزارت مسکن و شهرسازی تهران و گروهی دیگر آمدند، برای مشورت درباره خانه های فراوانی که بعد از انقلاب، بدون مجوز قانونی ساخته اند، یا نیمه ساز است. هم اکنون به خاطر نداشتن سند یا جواز ساختمان کارشان گیر کرده است.

سپس شورای عالی دفاع تشکیل شد. ظهیرنژاد از بی توجهی نیروها به ایشان، گله داشت. از جبهه ها خبر درستی نداشت. فرمانده نیروی دریایی، توضیحاتی از عملیات نجات ناو میلانین داد و نیروی هوایی اجازه بمباران شهرهای عراق را می خواست، که ندادیم. شب در مجلس ماندم. نیمه شب با خوزستان تماس گرفتیم. آماده حمله به عراقیها، در جبهه

۱ - تنکیل: برگرداندن، پست کردن

۲ - برای آگاهی از نظرات امام خمینی (ره) درباره پیوند اعضای میت، به کتاب تحریر الوسیله جلد چهارم صفحه ۵۶۶ مراجعه نمایید.



بستان بودند. باران می‌آید. حمله شروع شد<sup>۱</sup> و با امید خواهیم. آقای صیاد شیرازی از مقرر فرماندهی در جبهه تلفنی خبر داد؛ برای پیروزی دعا کردم.

یکشنبه ۸ آذر

۲ صفر - ۲۹ نوامبر

صبح زود پس از نماز، جوپای وضع جنگ شدم. خبر دادند که پیشرفت کرده‌اند، بستان را گرفته و یک تیپ را منهدم کرده‌اند و تعدادی اسیر و غنائم گرفته‌اند. با دو تیپ دیگر در حال نبردند و دشمن رو به هزیمت است. راه فرار هم ندارد؛ چون پلها را گرفته‌اند. در شمال و جنوب جبهه و غرب هم باتلاق است و شرق هم نیروهای ما<sup>۲</sup>. عصر معلوم شد، یک پل بر روی رود نیشان به طرف جنوب، در اختیار عراقی‌هاست و امکان فرار دارند. جلسه علنی داشتیم. آقای [عبدالمجید] معادیخواه وزیر ارشاد، برای توضیحاتی وقت گرفته بود.

لایحه دیوان عدالت اداری مطرح بود. مجلس را به آقای [محمد] یزدی نایب‌رئیس دوم سپردم و برای تعقیب وضع جنگ به دفترم آمدم. خبرها خوب است و جنگ ادامه دارد. می‌گویند ما هم زخمی و شهید داریم. آمار هنوز معلوم نیست. به مراکز بهداشتی برای درمان مجروحان، آماده باش داده شد. به صداوسیما گفتیم که اخبار جنگ را بگویند. احمد آقا هم همکاری می‌کنند.

ظهر، همافر عظیمی آمد و خبر از داشتن تعدادی رادار پیشرفته در انبارهای داد که در اثر مسامحه از آنها استفاده نمی‌شود. قرار شد تعقیب کنیم. عصر شورای مرکزی حزب در مجلس

۱ - عملیات طریق القدس در ساعت ۳۰ دقیقه باامداد هشتم آذر ۱۳۶۰ به مدت چهارده روز در منطقه عمومی غرب سوسنگرد و منطقه عمومی بستان با هدف آزادسازی شهر بستان و تأمین مرز و دسترسی به هورالهویزه و با رمز «یا حسین علیه‌السلام» انجام شد. (کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، صفحه ۱۷).  
 ۲ - بنا به نوشته کتاب «کارنامه عملیات سپاهیان اسلام» در عملیات طریق القدس علاوه بر آزادسازی بستان، ۷۰ روستای منطقه و ۵ پاسگاه مرزی آزاد شد و تنگه چزابه نیز به تصرف نیروهای ایرانی در آمد. در این عملیات ۱۸۰ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰۰ دستگاه خودرو، ۱۳ فروند هواپیما و ۴ فروند هلی‌کوپتر متعلق به دشمن منهدم شد.

تشکیل و درس مواضع دادم<sup>۱</sup> و گزارشی از کار واحد ایدئولوژی و وضع جنگ مطرح بود. بعد از جلسه به خانه آمدم. با جبهه تماس گرفتم. هنوز درگیری ادامه دارد، اخبار جنگ هنوز، خوب بخش شده.

دوشنبه ۹ آذر

۳ صفر - ۳۰ نوامبر

بعد از نوشتن خاطرات و صبحانه و درس دادن به عفت، ساعت ده صبح به مجلس رسیدم. کمیسیون آئین نامه داشتیم. از وضع جبهه جويا شدم. بخشی از اهداف تأمین شده، در بخش دیگر دشمن مقاومت می کند و نیروی تازه نفس وارد جنگ کرده. ما هم نیروی جدید برده ایم. شمال جبهه که بستان است، خیلی خوب است. شهر بستان تصرف شده و تنگه جزایه که تنها راه دشمن از شمال است، فتح شده. پل سابله والوان در جنوب و مرکز جبهه تصرف شده و دشمن با پل شیخ خزعل با جنوب مربوط است.

بعد از ظهر چندین ملاقات داشتم. اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی آمدند و از کمبود بودجه و اختلافشان با وزارت کشاورزی، در مورد مراکز خدمات روستائی می گفتند. فکر می کنند در آینده یا جهاد باید بماند یا (وزارت) کشاورزی.

حمید بهرامی استاندار سابق کرمان و زاهدان آمد. منسوب نهادهای انقلابی است، ولی بی جهت. فرار است سفیر بشود. نمایندگان بندرعباس آمدند و برای تحرک شیلات کمک می خواستند. فرماندار و رؤسای بعضی نهادهای انقلابی کرج آمدند و از امام جمعه و روحانیون کرج شکایت داشتند.

شب در مجلس ماندم. مقداری مطالعه کردم و تلویزیون تماشا کردم. افشاگری منافقین بود و جالب. امروز یک خانه تیمی که دهها قبضه اسلحه و انباری از مهمات داشته، کشف شده است.

۱. رکورد هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰.

سه شنبه ۱۰ آذر

۲ صفر - ۱ دسامبر

جلسه علنی داشتیم. درباره شهادت مدرس و پیروزیهایمان در جنگ صحبت کردم. به عراق و نظامیان عراقی اتمام حجت و اخطار کردم<sup>۱</sup>. لایحه دیوان عدالت اداری مطرح بود و نه ماده آن تصویب شد.

ظهر با گروهی از دانشجویان اسلامی مالزی، سنگاپور و آفریقای جنوبی ملاقات داشتم، شیفته انقلاب اسلامی اند. آقای ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک اطلاع داد که عراق در بستان خند حمله آغاز کرده، ولی عصر خبر رسید که صحت نداشته. به خاطر عدم هماهنگی ایشان با صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی، اطلاعات دقیق به ایشان نمی‌رسد.

بعد از ظهر از اهواز از مرکز سپاه و امام جمعه آبادان تلفن کردند و از تبلیغات ضعیف تلویزیون درباره پیروزی شکایت داشتند. با آقای زورق معاون اخوی محمد، تماس گرفتم. معلوم شد دیشب فیلمی از اهواز مخابره شده و با قصور مأمور گیرنده فیلم به دست سیما نرسیده و روز اول را هم صیاد شیرازی | اجازه فیلمبرداری نداده. قرار شد امشب جبران شود و شد. یک ساعت و نیم فیلم نسبتاً جالب پخش شد.

عصر ائمه جمعه استان هرمزگان - اعم از شیعه - آمدند و خواسته‌هایی در جهت عمران و رفاه منطقه داشتند. شب به خانه آمدم و بیشتر وقتم به دیدن فیلم جنگ گذشت. اخبار را معمولاً در بین راه از رادیوی ماشین می‌گیرم.

چهارشنبه ۱۱ آذر

۵ صفر - ۲ دسامبر

با اینکه جلسه علنی داشتیم. با اطلاع قبلی صبح زود به مجلس ترفتم. کارهای عقب افتاده در منزل را انجام دادم. در مصاحبه‌ای با مجله پاسدار انقلاب از جنگ و مجلس و سیاست خارجی گفتم<sup>۲</sup>. تا مغرب در خانه ماندم. اکثر وقتم را صرف مطالعه، درباره معاد کردم که

۱- کتاب هفتاد و هفتاد رفسنجانی - علقهای پیش از دستور ۱۳۶۰.

۲- کتاب هفتاد و هفتاد رفسنجانی - معاهده‌های ۱۳۶۰.

موضوع درس در کلاس مواضع حزب است. نوشته‌های شهید مطهری را در باب کیفر اخروی و شفاعت و تجسم اعمال از کتاب "عدل الهی" خواندم و "کشف المراد" را هم مطالعه کردم. چون در فتاوی امام صراحتی بر کفر منکر معاد ندیدم، تلفنی از احمد آقا خواستم که از امام پرسید و امام گفتند: منکر معاد به عنوان منکر ضروری اسلام، کافر است. ظهر آقای محسن رضائی از اهواز تلفن کرد و وضع جبهه‌ها را گفت. معلوم شد عراق نیروهایش را در بستان تقویت کرده، گردانی در محاصره ما دارد و گردانی هم از تانکهای تی ۶۲ که پیشرفته است، به جای گذاشته‌اند.

عصر از آقای ظهیرنژاد، وضع جبهه‌ها را پرسیدم. گفت: امروز دو واحد کماندوئی عراق قتل عام شده که توسط دو نفر از عراقیها که تسلیم شده‌اند، لورفته و حمله هوایی عراق شدید بوده که هشت فروند هواپیمای عراق، سرنگون شده.

دیشب دندان پر شده‌ام، خالی شده و برای امشب وقت گرفته‌ام که الساعه برای پر کردن آن به مطب دکتر فاضل می‌روم و از آنجا به دفتر رئیس جمهور، برای جلسه مشورتی سران سه قوه.

پنجشنبه ۱۲ آذر

۶ صفر - ۳ صابیر

شب، در مجلس خوابیده بودم و صبح زود پس از نماز، گزارشها را مطالعه کردم. آقای صیاد شیرازی از اهواز تلفن کرد و از وضع جبهه‌ها اظهار رضایت کرد. جلسه علنی داشتیم. لایحه دیوان عدالت اداری مطرح بود. بعد از تنفس، اداره جلسه را به عهده آقای امجدی نایب رئیس دوم گذاشتم و برای انجام کارها به دفترم رفتم. کارهای اداری را انجام دادم و مقداری هم برای درس عصر مطالعه کردم؛ راجع به معاد و آخرت و جزای اعمال.

ظهر دکتر احسبی آمد و راجع به طرحهای ستاد انقلاب فرهنگی و انتشار مصاحبه‌های امام در پاریس مطالبی داشت. آقای مرتضی الویری هم آمد و از اعترافات یکی از متهمان منافقین درباره همکاری بعضی از لیبرالهای مجلس با منافقین گفت. ساعت سه ونیم بعد از ظهر، در کلاس درس مواضع حزب شرکت کردم تا مغرب. بعد از نماز مغرب آقای نظران

آمد و راجع به برنامه جلسه شورای عالی دفاع صحبت کرد. شب به خانه آمدم. بعد از شام به دعوت آقای محمد صدوقی به منزل پسرشان رفتم. آقایان محمد صدوقی، محمد اخاتمی، مهدوی کئی، موسوی اردبیلی و احمد آقا بودند. راجع به هیأت امناء و هیأت مدیره مدرسه آقای صدوقی که در قم بناست به زودی افتتاح شود، تصمیم گیری شد.

امروز در ایلام، جبهه میمک، حمله‌ای از طرف نیروهای ایران شده و تلفات فراوانی به دشمن وارد شده و نیروی هوایی مدعی است، نه فروند هواپیمای دشمن ساقط شده و یک خلبان میراژ اسیر شده. با او مصاحبه کردند.

جمعه ۱۳ آذر

۷ صفر - ۴ صامبر

امروز تقریباً تمام وقت، در خانه بودم. صبح آقای محسن ارضائی از اهواز تلفن کرد و از حمله شکست خورده دیشب عراق گفت که دو گردان آنها نابود شده. صبح احمد آقا آمد و راجع به حادثه تلخی که در مشهد برای یکی از نمایندگان پیش آمده گفت. با آقای واعظ طبسی هم صحبت کردم که برای علاج کمک کنند. دکتر معتمدی معاون بهداشت وزارت بهداشتی که اخیراً استعفا داده، آمد و اعتراضاتی به وزیر بهداشتی داشت. ناهار بچه‌های مرحوم لاهوتی مهمان ما بودند. عفت کله پاچه پخته بود.

امروز فرصتی پیدا کردم، دوسه جزوه درباره نهضت مسلمانان فیلیپین و نهضت ایرلند شمالی مطالعه کردم. این جزوه‌ها را واحد نهضت‌های سپاه تهیه کرده. عصر از مواضع پدافند هوایی جماران - که زیر نظر دفتر مشاورت است بازدید کردم. از یک مرکز ضد هوایی ۲۳ میلیمتری و یک مرکز توپ ضد هوایی اورلیکن با رادار، تشکیل شده است.

اول شب احمد آقا آمد و راجع به بیانیه‌ای که امام می‌خواهند، راجع به محکومیت افراط کاریها و تجاوز از قوانین بدهند، مشورت کرد. عصر با آقای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم. خبر دادند که دکتر معالج و پرفسور سمیعی آمده و از پیشرفت وضع دست ایشان راضی است. دست ایشان در جریان سوء قصد چند ماه پیش آسیب دیده و فلج شده، اینک رو به بهبودی است.



گویا، عمل احتیاج ندارد. تمام برنامه شب تلویزیون را مشاهده کردم. یک انبار مهم اسلحه و مینات منافقین کشف شده که دویست ژ - س، هشتاد هزار فشنگ و صدنارنجک و دویست کیلو مواد منفجره و مقداری بی سیم و ده تیر بار داشته است.

شنبه ۱۴ آذر

۸ صفر - ۵ صابری

تمام وقت در خانه ماندم. قرار بود، عصر جلسه شورای عالی دفاع داشته باشیم. ولی چون فرمانده نیروی زمینی و فرمانده سپاه در جبهه هستند و قرار است در حضور امام، گزارش جنگ را بدهند، قرار شد این جلسه صبح یکشنبه در محضر امام باشد.

با آقای امیرحسین موسوی نخست وزیر، تلفنی صحبت کردم، به خوزستان رفته بودند، از وضعیت جنگ و موفقیتها خوشحال بودند. از کرمانشاه آقای صیاد شیرازی و محسن رضائی تلفنی صحبت کردند. خودشان را برای حمله‌ای در غرب آماده می‌کنند و ضد حمله پریشب عراق در بستان را مهم می‌دانستند که بالطف خدا شکست خورده.

بیشتر وقت را صرف مطالعه و مخصوصاً مطالعه درباره نهضت اریتره و اخوان المسلمین کردم. نظر واحد نهضت‌های سپاه این است که خط غرب‌گرایی این دو نهضت، غالب است.

اخبار جنگ حکایت از سقوط چهار هواپیمای عراقی در خوزستان دارد. عراق با شکست بستان در زمین می‌خواهد با نیروی هوایی کاری بکند که تلاشی عبث است. شب، تلویزیون فیلمی از افشاگری یک منافق پشیمان شده داشت. جوان بیست ساله‌ای نقاط ضعف فکری و عملی سازمان مجاهدین خلق را گفت. جالب است.

یکشنبه ۱۵ آذر

۹ صفر - ۶ صابری

جلسه علنی داشتیم؛ ولی من به خاطر اینکه شورای عالی دفاع در خدمت امام تشکیل می‌شد، شرکت نکردم. آقای موسوی خوئینی‌ها جلسه را اداره کردند و لایحه دیوان عدالت اداری از تصویب گذشت.

در محضر امام، شورای عالی دفاع ساعت ده صبح تشکیل شد. آقایان صیادشیرازی و محسن رضائی که از جبهه آمده بودند، گزارش پیروزی جبهه بستان را دادند. پیروزی مهمی است. یکصد تانک و نفربر سالم، حدود یکصد ماشین بزرگ راه سازی، ماشینهای فراوان دیگر و مهمات و سلاحهای فراوان گرفته ایم. دوهزاروپانصد نفر از دشمن کشته و پانصد نفر اسیر شده اند. راه تدارکاتی میان بر دشمن قطع شده و دشمن نیروی فراوانی برای جبران این شکست جمع کرده است.

متأسفانه ما هم تلفات زیاد داده ایم. یکصدویست و پنج نفر نظامی شهید، چهارصد نظامی مجروح، هفتصد نفر از نیروهای مردمی شهید و یکهزار و هشتصد نفر مجروح داشته ایم. به دلیل اینکه نیروهای پیاده، عامل این فتح بوده اند و فداکارانه به قلب دشمن زده اند، پیروز شده ایم و تلفات زیاد داده ایم. تأکید کردیم که این گونه تلفات در حمله های دیگر، نباید داشته باشیم. برنامه بعدی به همین زودی، در غرب عمل می شود، ولی به وسعت بستان نیست. بین آقایان صیاد و ظهیرنژاد اختلاف است. به طور کلی اختلافات بین ستاد و نیروی زمینی و نیروی هوایی مطرح شد و امام نصیحت کردند، همکاری کنند.

ناهار، آقای خامنه ای و احمد آقا منزل ما بودند. پلو قیمه داشتیم. عصر در جلسه شورای حزب شرکت نکردم، فکر کردم برای مراعات وقت و امنیت بهتر است، این راه طولانی را نروم. بیشتر به مطالعه پرداختم.

امروز شایع کرده اند که من را به گروگان گرفته اند. دو سه روز است که در منزل مانده ام و ظاهر نشده ام، ضد انقلاب از این فرصت برای شایعه پراکنی استفاده کرده. امروز دو هواپیمای دشمن ساقط شده اند. خلبانی از آنها اسیر شده است. دیروز دو هواپیمای مهم اف - چهارده ما، سقوط کرده اند؛ خسارت مهمی است.

ساعت نه صبح به مجلس رفتم. نامه های دو روز گذشته را امضا کردم و کارهای اداری را

انجام دادم و مقداری از گزارشها را خواندم. به کمیسیون آئین نامه رفتم. بعد از ظهر به دفترم آمدم. خانم اعظم طالقانی آمد و در رابطه بابازداشت آقای مخلصى شوهر خواهرش، وحیده خانم و آزاد شدن و مصاحبه خواهر دیگرش مطالبی داشت.

بعد از ظهر، گزارشهای دو سه روز اخیر را خواندم. عراق با زور تبلیغات، تا حدودی اثر پیروزی ایران در بستان را کاسته و با اینکه شکست فاحشی خورده، در بیانیه خود از پیروزی و پیشرفت دم می زند و از شهدای زیاد ما، در این پیروزی استفاده می کند. صدام شخصاً به پشت جبهه رفته و اظهاراتی کرده.

بعد از ظهر گروهی از مدیران هیأت‌های هفت تفری تقسیم زمین آمدند و برای تصویب طرحی در مجلس در مورد تقسیم اراضی کمک می خواستند و نگران تصویب طرح موجود بودند که به مجلس آمده، و امتیاز زیادی به مالکین داده است.

دو نفر از رهبران انجمن حجتیه، آقایان سجادی و رفیعی آمدند و اسنادی از همکاریشان با انقلاب و آماری از خدماتشان در مبارزه با بهائیها دادند. گفتند سه هزار نفر از بهائیها را هدایت کرده اند و جلوی انحراف پنجاه هزار نفر را گرفته اند و توطئه این باند را در ایران خنثی کرده و طرفدار ولایت فقیه هستند و از فشاری که روی آنها می آید و در بعضی از جاها، آنها را پاکسازی می کنند، گله داشتند و از اظهارات من راضی بودند. من تأیید کردم که به آنها باید اجازه خدمت داد.

یکی از مبارزان روحانی عراق آمد و پیشنهاد می کرد که من دخالت کنم و اتحاد گروههای مبارزه عراق را برای رفع اشکالات، بعد از شکست صدام، فراهم کنم. شب در مجلس خوابیدم و فرصتی شد که کارهای عقب افتاده دو سه روز قبل را انجام دادم. امام امروز اعلامیه داده اند و دعوت به مراعات قانون و تنبیه متخلفها نموده اند<sup>۱</sup>.

۱- متن کامل این فرمان چنین است: بسم الله الرحمن الرحيم شورای عالی محترم قضائی، دادستان محترم انقلاب اسلامی - اخیراً گزارشهای می رسد که افراد غیر مسئول و احتمالاً از گروههای منحرف و گاهی مقامات مسئول، برخلاف مقررات اسلامی و قانونی متعرض اموال و املاک محترم مردم می شوند و به طور سرخود به تقسیم املاک و معادله اموال اشخاص می پردازند و (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

سه شنبه ۱۷ آذر

۱۱ صفر - ۸ صامبر

بعد از نماز، گزارشها را تکمیل کردم. ساعت هشت و نیم، جلسه علنی شروع شد. اصلاحات لایحه اراضی شهری، بعد از اعتراضات شورای نگهبان مطرح بود. با زحمت، پیشنهادات کمیسیون تصویب شد، ولی باز هم ممکن است شورای نگهبان آن را رد کند.

ظهر آقای مقصودی از ستاد نماز جمعه آمد و از خطبه‌های آقایان امامی کاشانی و موسوی اردبیلی گفت و از من می‌خواست که در ملاقات فردای ستاد نماز جمعه با امام شرکت کنیم. در سخنان پیش از دستور، از بیانیه امام تجلیل کردم. بعد از استراحت، کارهای اداری را انجام دادم و گزارشها را خواندم. امروز مسأله ریوده شدن سه هواپیمای ونزوئلا و یک هواپیمای لیبی مسأله روز است. ربایندگان هواپیمای لیبی می‌خواهند به ایران بیایند و لیبی هم موافق است، ولی ایران راضی نیست. سفیر لیبی تلاش می‌کند که ما بپذیریم؛ گویا اعضای امل هستند و آقای موسی صدر راه می‌خواهند.

اول شب آقای [عبدالمجید] معادینخواه آمد و راجع به موضوعی نگران بود و از من کمک می‌خواست. شب به خانه آمدم. آخر شب شورای فرماندهی سپاه آمدند و راجع به مشکلات سپاه مطالبی داشتند. وضع جنگ را گفتند و اطلاعاتی از سرکوبی ضدانقلاب دادند و درباره انجمن حج‌تبه که سپاه با آنها مخالفت می‌کند، مطالبی گفتند و از من برای حفظ موقعیت سپاه، کمک خواستند. نزدیک ساعت دوازده شب خوابیدیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

گاهی به منازل اشخاص بدون مجوز شرعی و قانونی وارد شده، آنان را جلب می‌نمایند و اگر شخص مورد نظر نباشد، بستگان و زن و فرزند او را جلب می‌کنند و گاهی به بهانه‌هایی هنگ آبرو و حیث اشخاص را می‌نمایند. و با این اعمال غیر شرعی، هنگ جمهوری اسلامی و مقامات قضائی را می‌کنند، مقرر فرمائید سازمان بازرسی کل کشور یا سرعت عمل رسیدگی کرده به مقامات قضائی گزارش دهند و اگر شکایاتی به دادستانی‌ها رسید با سرعت رسیدگی نمایند و اشخاص یا گروه‌هایی که مرتکب این نحو اعمال غیر شرعی و قانونی می‌شوند، احضار و پس از اثبات جرم به مجازات برسند و لازم است اینجانب را از مسائل مذکور مطلع نمایند. والسلام - ۱۶ آذر ماه ۱۳۶۰ - روح الله الموسوی الحینی.

چهارشنبه ۱۸ آذر

۱۲ صفر - ۹ صامبر

صبح به مجلس رفتم. کمیسیون آئین نامه داشتیم. بعد از ظهر به دفترم آمدم. فرماندارهای مهاباد و ننده آمدند. گفتند تسلط نظامی دولت خوب است، ولی به اقدامات فرهنگی و عمرانی و رفاهی، برای جلب قلوب مردم نیاز است. از استاندار آذربایجان غربی شکایت داشتند. مسئول حزب و بعضی از مسئولان دیگر سیستان و بلوچستان آمدند. از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، شکایت داشتند که در آنجا با حزب مخالفت می کنند و استاندار می خواستند. عصر هیأت رئیسه داشتیم. به تقاضای دیوان محاسبات، تصمیم گرفتیم اجازه استخدام ۱۹۹ کارمند جدید داده شود و برنامه هفته آینده را معین کردیم. شب جلسه مشورتی با حضور رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس دیوان عالی کشور در دفتر من داشتیم. درباره ادامه جنگ و برنامه بعد از جنگ و متحد ساختن نیروهای اسلامی عراق و محور قرار دادن آقای سید محمد باقر حکیم و رسیدگی به تخلفات دادگاههای انقلاب و رفاه زندانیان، بحث کردیم و تصمیماتی گرفتیم.

هواپیمای لیبیائی را به فرودگاه مهاباد آورده اند. شیعیان لبنان، طرفدار امام موسی صدر، خواهان آزادی ایشان و اعلان خواستهایشان و کثیر رهبر لیبی اند. نتوانستند به توافق برسند، به لبنان رفتند و آنجا پس از پنج ساعت مذاکره، تسلیم شدند. شب در مجلس خوابیدم. تا ساعت دوازده، گزارشات را خواندم.

پنجشنبه ۱۹ آذر

۱۳ صفر - ۱۰ صامبر

اول اذان با صدای بلند و قوی اذان بلندگوی مجلس، بیدار شدم. پس از نماز صبح، مشغول مطالعه درباره معاد برای درس کلاس مواضع حزب جمهوری اسلامی شدم. پس از صبحانه به جلسه علنی رفتم. آقای الویری هم صبح زود آمد و از همکاری حزب و مجاهدین انقلاب اسلامی صحبت داشت. آنها نگران اختلافاتند و مخصوصاً که سازمان متهم به مخالفت با خط امام خواهد شد.



هوایمائی ربوده شده لیبیائی در فرود گاه مهرآباد تهران

در جلسه علنی در نطق پیش از دستور، بمباران دیروز مناطق مسکونی شهر ایلام توسط عراق را که ۲۱ نفر شهید و تعدادی زخمی داشته، محکوم کردم<sup>۱</sup>. توطئه تبلیغاتی عراق را که می‌خواهد بگوید کشته‌های عراقی در فتح بستان از اسرای عراقی بوده‌اند، فاش نمودم. اساسنامه سپاه پاسداران مطرح بود که کلیات آن تصویب شد. اداره بقیه مجلس را به آقای موسوی خوئینی‌ها سپردم و به دفترم آمدم.

عده‌ای از اساتید دانشگاه اصفهان آمدند و از وزیر علوم شکایت داشتند، ولی حرف حسابی نداشتند. استاندار زنجان و چند نفر دیگر، همراه با آقای اسدالله ایبات آمدند. امام جمعه برای زنجان می‌خواستند و قرار ملاقات با امام برایشان گذاشته شد. عصر کلاس درس مواضع حزب داشتیم، ویژگیهای زندگی آخرت را گفتم<sup>۲</sup>. اول شب آقای نظران و اعضای دفتر مشاورت آمدند و گزارشهایی دادند و سپس به خانه آمدم.

عفت همراه با آقای طباطبائی دائیش و برادرش به ضیاء آباد رفته. فاطمی، سعید، مهدی و یاسر بیرون غذا خورده بودند و آمدند و برای من هم یک ساندویچ الویه آوردند. قرار است که امشب یا فردا شب در غرب، عملیات و حمله به عراقیها داشته باشیم. منتظر خبر از جبهه هستیم.

جمعه ۲۰ آذر

۱۲ صفر - ۱۱ صامبر

تمام وقت در منزل ماندم؛ دو روز عقب ماندگی خاطرات را جبران کردم و گزارشها را مطالعه کردم. به مهدی و یاسر در کار انجام تکالیفشان کمک کردم. نماز جمعه را به عهده آقای ربانی املشی گذاشتم.

آقای دکتر احسن ارواحانی آمد و گزارش سفر شورای سرپرستی صداوسیما به هند، چین، کره و ژاپن را داد. گفت هند، کره و چین در صنعت تلویزیون ضعیفند و ژاپن خیلی پیشرفته است. از وضع بد سفارتمان در چین که ادامه کار لیرالهاست، گفت و تأکید شد که با ژاپن برای

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی - ۱۳۶۰.

۲- کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی - ۱۳۶۰.

توسعه امور تلویزیون، همکاری شود.

آقای اعلی اشمخانی قائم مقام فرماندهی سپاه پاسداران، در سخنرانی پیش از نماز جمعه، خبر حمله عظیم نیروهای ما به ارتش عراق در گیلان غرب را داد. منتظر این حمله بودیم که با عنوان "فجر" انجام شد. گفت بیش از هزار کشته، دویست اسیر و مقداری زمین از دشمن گرفته‌ایم. نبرد هنوز ادامه دارد<sup>۱</sup>. اول شب هم آقای محسن رضائی از کرمانشاه تلفنی اطلاع داد که قسمت اعظم اهداف حمله تأمین شده و برای تأمین بقیه، نیروی تازه به میدان اعزام شده. اشتباه این بوده که نیروی احتیاط آماده نداشته‌اند و نیروها خسته شده‌اند.

ظهر دفتر امام اطلاع داد که با انفجار بمبی در کوچه مسیر آیت‌الله دستغیب امام جمعه شیراز و دوازده نفر همراهانش شهید شده‌اند. خبر بسیار تلخی است. احمد آقا هم تلفن کرد و قرار شد خبر را ظهر بدهند. از شور و شعف خبر فتح غرب کاست. نشان همکاری عراق و ضدانقلاب است. فیلمی که پخش کردند، نشان داد، اجساد آنها قطعه قطعه شده است. خون این پیر مرد هفتاد ساله مجتهد، اثر عمیقی در منوریت ضدانقلاب دارد. امام و تمام شخصیتها و منجمله خود من، اطلاعیه دادیم<sup>۲</sup>. ناهار فاطمی، سعید و حمید اینجا بودند. عصر احمد آقا هم آمد. عفت هم، شب از سفر برگشت و مقداری مرغ و گوشت از آنجا آورد.

شنبه ۲۱ آذر

۱۵ صفر - ۱۲ اسفند

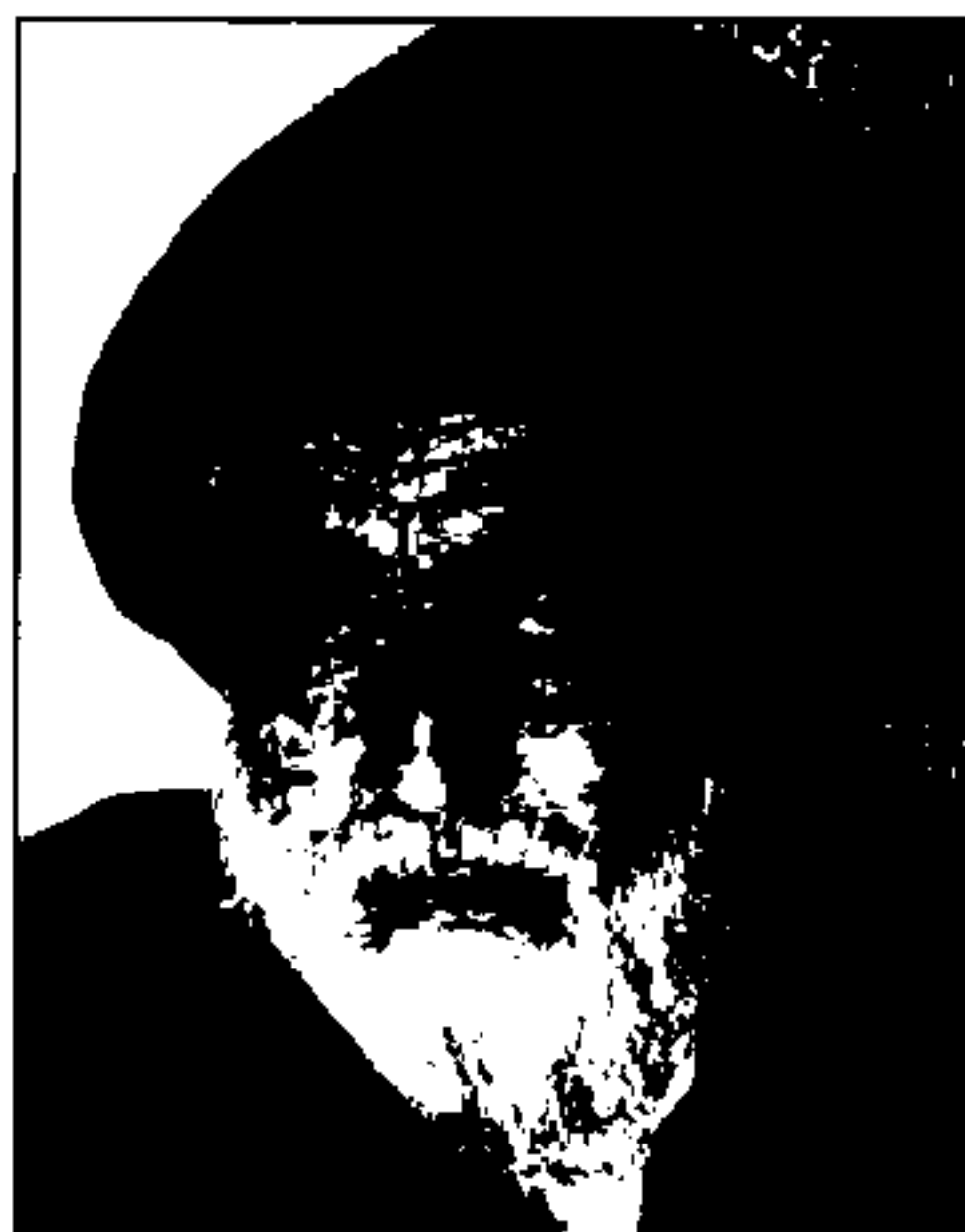
پس از نوشتن خاطرات جمعه، و مقداری مطالعه، به ستاد ارتش رفتم. باتیمسار ظهیرنژاد و وزیر دفاع درباره برنامه و اخبار جنگ بحث کردیم. ظهیرنژاد از روی کار آمدن افسران جوان در سمتهای بالا ناراحت است و معتقد است، مغزهای ارتش، با این روبه کنار می‌روند و

۱ - عملیات مطلع الفجر در منطقه گیلان غرب، سرپل ذهاب با هدف آزادسازی بخشی از ارتفاعات با رمز یا مهدی (عج) ادرکنی انجام گرفت. در این عملیات ارتفاعات چرمیان، سرتان، شیاکوه، دیزه کش، برآفتاب، تنگ کورک، تنگ قاسم آباد، تنگ حاجیان، دشت شکمیان، اناره، فریدون هوشیار، دشت گیلان، روستاهای کمار، گور سفید و گورسوار در دشت گیلان غرب از دست دشمن آزاد شد. (کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، صفحه ۱۹).  
 ۲ - کتاب "هاشمی رفسنجانی - پیامهای ۱۳۶۰".





آیت الله دستغیب سومی شهید محراب  
تاریخ شهادت ۱۳۶۰/۹/۲۰



آیت الله مدنی دومین شهید محراب  
تاریخ شهادت ۱۳۶۰/۱۶/۲۰



آیت الله اشرفی اصغهبانی پنجمین شهید محراب  
تاریخ شهادت ۱۳۶۱/۷/۲۳



آیت الله صدوقی چهارمین شهید محراب  
تاریخ شهادت ۱۳۶۱/۴/۱۱

شهدای محراب

می‌گویند این خواست توده‌ای‌هاست؛ مخصوصاً از تصفیه نیروی هوایی. وزیر دفاع هم، از اینکه نیروی زمینی او را در جریان عملیات خودش قرار نمی‌دهد، ناراحت است.

ظهر به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. در جبهه، تحول مهمی نیست. مشغول تحکیم مواضع تصرف شده هستند و در بخشی از اهداف تأمین نشده، درگیرند. عصر شورای عالی دفاع داشتیم. وضع جبهه‌ها رسیدگی شد. تیمار ظهیرنژاد، وقت گرفت برای گشتن اعتراضاتش به نیروهای سه گانه. گزارش خرید توپهای اورلیکن و اصلاح وضع صنایع نظامی، توسط وزیر دفاع داده شد. سقوط دو هواپیمای دشمن و یک هواپیمای خودی و پیشنهاد همکاری با رئیس مجلس اعلای شیعه عراق<sup>۱</sup> و سفر به افغانستان مطرح گردید.

بعد از جلسه، با صداوسیما مصاحبه کردم؛ وضع جبهه‌ها، اثر پروزیها و درباره سروصدای عراق در خصوص کشته شدن اسرای عراقی گفتم<sup>۱</sup>. شب در مجلس خوابیدم.

یکشنبه ۲۲ آذر

۱۶ صفر - ۱۳ صامبر

پس از نماز، مشغول کار شدم. در جلسه علنی امروز، لایحه دوفوریتی مربوط به بیانیه الجزایر مطرح بود. پس از گروه‌گان‌گیری، اعضای سفارت آمریکا در جریان تسخیر لانه جاسوسی، قضیه از طرف امام به مجلس احاله شد و مجلس چهار شرط برای آزادی آنها گذاشت و دولت مأمور اجرا شد. با میانجیگری الجزایر، قراردادی منعقد گردید و به عنوان بیانیه الجزایر<sup>۲</sup> شناخته شد.

اکنون گروهی از طرف ما و گروهی از طرف آمریکا در لاهه، درباره ادعاها و اختلافات دو طرف به مذاکره و دادرسی نشسته‌اند و دولت از مجلس، اجازه خواسته است که از حقوقدانان خارجی برای دفاع از حقوق ایران، استفاده کند. شرکتها و مؤسسات آمریکایی ادعاهای زیادی، علیه ما اقامه کرده‌اند و ما هم ادعاهای زیادی داریم. تمام وقت، صرف لایحه شد و تصویب گردید.

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.